



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی  
سوالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی

شماره تلفن: ۸۸۹۴ - ۸۸۹۵ - ۸۸۹۶ - ۵۴۴۸

۴ شنبه ۱۳ دی ماه ۱۳۲۶

میر: سید محمد باقی

سال سوم - شماره ۸۳۷

صفحه ۲۳۷۷

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۵۲۸

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

- ۱ - صورت مشروح بقیه مذاکرات سی و چهارمین جلسه دوره یازدهم از صفحه ۱ تا ۱۲
- ۲ - آگهی های رسمی ۱۳

## مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۳۴ (۴)

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه ۸ دیماه ۱۳۲۶

فهرست مطالب

- ۱ - تصویب ۲ فقره اعتبارنامه و طرح يك فقره دیگر .
- ۲ - تقدیم بودجه ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی
- ۳ - ختم جلسه بعنوان تنفس

مجلس ساعت پنج و سه ربع بعد از ظهر بریاست آقای رضا حکمت بعنوان  
بعد از تنفس تشکیل گردید

۱ - تصویب دو فقره اعتبارنامه و طرح يك فقره دیگر

است یا اوضاع و احوال آن زمان طوری بوده است که هر کس در عدلیه خدمت کرده مثل این است که مرتکب يك گناهی شده ، بنده اگر راجع بشخص خودم بود همان طور که آنروز عرض کردم اصراری نداشتم که دفاعی بکنم ولی اینجا چون موضوع دادگستری کشور است و اگر این مسئله بلا جواب بماند من صلاح نمیدانم و بهلاوه این بیاناتی را که عرض آقایان خواهم رساند توجه خواهند فرمود که در تشریح وضعیت دادگستری و در اصلاح دادگستری فعلی هم مسلماً تأثیر خواهد داشت استدعا میکنم که آقایان حوصله بفرمایند بنده هم سعی میکنم که خیلی مختصر بگویم ولی يك نتیجه گرفته باشم ، چون فرمودند که معاونت دادگستری در آن زمان یعنی چه ؟ بنده میخواهم بایشان جواب عرض کنم که معاونت دادگستری در آن زمان یعنی روزی

رئیس - جلسه بیش عم چون بعنوان تنفس تعطیل شده بود صورت جلسه نداریم آقای دکتر متین دفتری میخواهند ، مطابق ماده ۱۰۹ توضیحاتی بدهند . بفرمائید  
دکتر متین دفتری - بنده مقدمه خدمت آقایان عرض میکنم و قبل از این که از ماده ۱۰۹ استفاده بکنم میخواستم از آقای امین التجار دفاع کنم و حتی اجازه هم گرفته بودم از آقای رئیس ولی چون مصادف شد با فرمایشات آقای فرامرزی ناچار شدم که از ماده ۱۰۹ استفاده بکنم . آقای فرامرزی در ضمن بیانات خودشان بنده خطاب فرمودند که در زمانی که معا که آقای حاج امین و مرحوم تیمورتاش مطرح بودند معاون وزارت دادگستری بودم و بعد این مطلب را با يك لحنی بیان فرمودند مثل این که معاونت وزارت دادگستری يك گناهی

۱۵ و ۱۶ ساعت کار کردن و جان کندن و مراقبت کردن برای این که این سازمانهای قضائی وظایف خودشان را انجام بدهند و قوانین مملکت تکمیل بشود و احقاق حق بیچارگان بشود ، بعد از شهریور ۱۳۲۰ متأسفانه راجع بدادگستری کشور يك تبلیغات شدیدی شروع شد که بقیه بنده این تبلیغات مؤثر بود در انعطاط دادگستری یعنی موجب شد که قضات دادگستری بواسطه این تبلیغاتی که میکردند سرد بشوند و کم کم آن مرال ، روحیه ای که در هر محیطی لازم است برای تشویق و انجام وظیفه يك محیطی اینجا مترازل شد ، تهمت های ناروا زدند بدادگستری من جمله برای این که بنده افتخار آن را داشتم که مدتی در دادگستری کشور خدمت کرده ام بغیر بنده نسبت های خیلی خیلی ناروا زدند منبای مثل عرض میکنم در يك روزنامه ای شروع کردند ایندطلب را نوشتند دیگران هم همینطور بدون دقت بدون توجه باصل موضوع این مطلب را نقل کردند مثل اینکه يك امر مسلمی بوده در موضوع اینسکه چند نفر قاضی از عدلیه زنجان توقیف شدند بعضی از روزنامه هائی که به بنده بی لطف بودند مینوشتند فلانی کسی بود ، دیکتاتور بود و قضات عدلیه را دست بند زد و بمجلس فرستاد در صورتیکه اگر بخودشان زحمت میدادند و بسایه پرونده مراجعه میکردند میدیدند که نه فقط این کار گناهی نبوده بلکه واقعا میتوانم از مفاسد خودم این را حساب بکنم ، این گناه است که اگر يك کسی که اسمش وزیر عدلیه است بنشیند و گزارش هائی باو برسد که در فلان عدلیه يك عده ای از قضات

● من بقیه مذاکرات مشروح سی و چهارمین جلسه از دوره یازدهم قانونگذاری

اداره تنفسی و تحریر صورت مجلس

اینها دست بیک کار هائی زده اند که شایسته مقام قضاوت نیست و شروع کرده اند باخادی و استفاده از مردم نه یک فقره دو فقره بلکه ۵۰ فقره ۱۰۰ فقره بنده در آن زمان یکی از بازرسهای خیلی معلمش را فرستادم بزنجان بعد از اینکه او یکماه در آنجا مشغول رسیدگی بود برگشت گزارش مفصلی باندازه یک کتاب داد و تمام این شکایتها را باندازه یک کتاب تألیف کرده بود و تأیید کرد اعمال آنها را بعد ما عین این گزارشها را فرستادم بدادسرای دیوانکیفر و دادسرای دیوانکیفر بمحکمه انتظامی مراجعه کرد همین محکمه انتظامی که وجود دارد همین آقای آقا شایخ محمدصهید که رئیس دادگاه انتظامی هستند بایشان پرونده را مراجعه کردند و ایشان سلب مصونیت از قاضی کردند و تکیه سلب مصونیت از قاضی کردند پرونده رفت پیش بازرس دیوانکیفر و بازرس دیوان کیفر هم قرار توقیف صادر کرد و این اشخاص توقیف شدند ، تسلیم دادگاه شدند بنا بر این نه دست بندی در کار بوده است و نه دستبندی ممکن است در کار باشد ، خوب حالا اگر این گناه بوده بنده این گناه را مرتکب شده ام بنده نمیخواهم از خودم دفاع بکنم ولی این نسبتی را که بمن داده اند باسناد دادگستری لطمه میزند ، اساس دادگستری را موهون میکند و البته این تبلیغات یک تبلیغات ارگانیزه بود که از طرف اشخاص ناراضی یعنی اشخاصی که در عدلیه مورد تعقیب واقع شده بودند و چرخ محاکم به حرکت افتاده بود در کشوری که اصلا سالها قانون مجازات نداشته و برای اولین دفعه یک عدلیه تاسیس شده است و یک قانون مجازات که در اولین دفعه بود اجرا در آمده مسلما یک عدلیه مجازات میشوند این گناه عدلیه نیست و گناه کسانی که تصدی امر هستند نیست و اشخاصی که تبلیغ میکردند میخواستند بگویند که پس از انحلال عدلیه قبل از اینکه در ۱۳۰۶ عدلیه جدید تاسیس بشود یعنی عدلیه سابق را منحل کردند می خواهند بگویند که عدلیه سابق یک گلستانی بود و بعد عدلیه جدید آمد این گلستان را تبدیل کرد باصطلاح یک نیستانی ، در همان موقعی که این تبلیغات شروع شد ، بعد از شهریور ۱۳۲۰ که شروع شد اتفاقاً در ایامی بود که بنده در بازداشتگاه بودم ، در بازداشتگاه متفقین ، در همین مجلس شورای ملی در اوایل دوره ۱۴ یک مذاکراتی دوسر اعتبار نامه آقای آقا سید ضیاءالدین بین ایشان و آقای دکتر مصدق پیش آمده بود و ایشان دوباره آن ضمن به بنده یک حمله ای کرده بودند و بنده در بازداشتگاه آن حمله ای که ایشان کرده بودند خواندم ، چون فراغتی داشتم در بازداشتگاه یک کتابی نوشتم ، بنده یک رساله مفصلی نوشتم و اوضاع و احوال زمان و قوه ای که معروفست بجبر تاریخ تمام را در آن جا تشریح کردم و حقیقت عدلیه را آن طوری که لازم بود برشته تحریر در آوردم و متأسفانه هر آن موقع مجال نبود ، اجازه نداشتم که نوشتنیام را از بازداشتگاه بیرون بفرستم و بعد از این که از بازداشتگاه بیرون آمدم یک مدتی گذشته بود از این کار منصرف شدم اگر آقایان فرصت می داشتند و بنده این رساله را میخواندم گمان

نیت اسناد که تمام خاک ایران را در ظرف این ۱۰ سال ما بنیت رسانیدیم در آنها فقط دهاری بود من حاضر از روی آمار با آقایان ثابت کنم که در این ده ، دوازده سال عدلیه جدید هر سال مطابق تمام آن بیست سال مشروطه است عدلیه کار کرده همین موضوع شش جلالی ، بنده در آن زمانی که دفاتر اسناد رسمی را تنظیم میکردیم و در زمان تصدی بنده بود مراقبت کردم که دفاتر مرتب شود فقط یکصد مورد در زمان تصدی بنده در یک دفتر رسمی یک خانه که سه دانگش را یک کسی مالک بوده شش دانگش را فروخته سردفتر اسناد رسمی یکی از اشخاصی بدون بودجه دولتی باصلاح کردی خوردی که شخص موثقی از کارکنان عدلیه همان دوره حکایت میکرد میگفت در آن زمان مأمورین برای صدور یک فقره قرار اجراء بشارع از صاحب قرار دوهزار تومان وجوه دولتی مطالبه میکرد در صورتی که اصل مطلب بیشتر از این ارزش نداشت ، اما جز قانون اصول محاکمات یاد کار مرحوم مشیرالدوله که در زمان خود البته قیمت داشت از سایر قوانین اساسی عدلیه مانند قانون مدنی قانون تجارت ، قانون مجازات ، قانون ثبت اسناد و املاک و غیره اثری نبود ؟ جزیک بودجه بسیار نا قابل که مقام شامخ قضاوت را از مأمورین دروازه ها بست تر کرده بود فراموش کردند که قضات آن زمان هر وقت میخواستند میآمدند و می رفتند غیر از تعطیلات رسمی مختلف از قبیل اعیاد و فوت یکی از ملاما و یابیکی از بستگان کارکنان عدلیه چندماه در محاکم را بروی مردم می بستند و اکثر دهاوی را بعدا کم شرع میکشیدند و حکام شرع با تقوی اغلب زیر بار ترافع نمی رفتند بقیه هم ملامهای بی بند و باری بودند که محضرشان چاه ویل بود و کاریکه بآنجا احاله میشد کار بویته اعمال میباند و باز بچه ناسخ و منسوخ ها میشد ، فراموش کرده اید داستان دهاوی کلان میرزا و میرزا محمدعلی منفرد را که ستون جراید آنروز را اشغال کرده بود حتی با میرا طود روس نظلم میکرد و چندین سال برای صرف حضور شاهزاده در محضر بسامحه ، میگذشت حالا بنده نمیخواهم وقت آقایان را زیاد تضییع بکنم یک وقتی شاید این را منتشر بکنم در عدلیه جدید وقتی که ما شروع کردیم همانطور که عرض کردم عدلیه قانون نداشت ، نه قانون داشت نه سازمان داشت نه قضات داشت زحمت کشیده شد برای این که یک هیئت قضائیه تربیت بشوند ، زحمتی کشیده شد برای این که ۵۰۰۰ آقایان شامند اشخاصی هستند در همین مجلس که در دوره ۱۰-۱۱-۱۲ بودند خود بنده اقله هفته ای دو مرتبه هر روزی ۴ ساعت ، ۵ ساعت جلسه تشکیل میشد میآمدیم در همین کمیسیون قوانین دادگستری و قوانین عدلیه را تنظیم میکردیم و از مجلس میگذاشتیم سازمان دادگستری را تکمیل کردیم . نیت اسناد و املاک که در این مملکت هیچکس این نبود از اینکه دیگران راجع به ملکش هر روزی اسناد و قبایجاتی بنابر ضوابط قبل تنظیم نکنند ، آن کمیانهای کافذ سازی ، سند سازی که در عدلیه بود ، اینها همه در عدلیه پیش بود (مکی - شمس جلالی را بفرمائید) و در عدلیه جدید آن دستگاه خراب از بین رفت ، آقا اسم ایشان را بردید بنده خیلی متشکرم همین

فایده ای ندارد اگر بنده بخوام خود نمائی بکنم و عرض بکنم که ما برای مبارزه با فساد از چه مناسقی صرف نظر کردیم در همین مجلس شورای ملی شاهد دارم بنده از آقای سزاوار و فولاد و منیر میرسم که آياشا شاهد و ناظر نبودید که بنی زاده حاضر بود صد هزار تومان پول بین بدهد برای اینکه من دست از تعقیب او بردارم (صحیح است) آيا اینطور نبود؟ سزاوار صحیح است حاضر شد بایشان پنجاه هزار تومان پول بدهد) ما از هیچ چیز تا آنجائی که بی شمان میروید هیچوقت از هیچ انجام وظیفه ای مضایقه و خودداری ننکردیم شخص دیگری خانواده اش جرئت نمی کردند که اسم ببرند که فرود چه شده است بعد از دو سال از فوتش آقایان نمایندگان مسبوق هستند بعد از دو سال مراقبت بنده بود که توانستند جسد فرود را از توی چاه پیدا بکنند (صحیح است) همینطور موفق شدم بنده از مرکز یک لشکری با تعقیب بوسیله یک بازرس هائی که داشتم و مراقبت میکردم با وجودیکه مربوط بارتش بود و دخالت بکار ارتش نداشتم موفق شدم که از توی یک لشکری اشیاء قاچاقی را کشف کنم و نه فقط در این قسمت از طرف ارتش و اهل بصره تعقیب مغالطی شد بلکه تقدیر هم از ما کردند اما راجع با آقای فرامرزی بنده خیلی عرض داشتم ولی چون این هرايش جنبه خود نمائی دارد این مطلب را کوتاه میکنم و بجواب آقای فرامرزی میپردازم انشاءالله اگر آقایان فرصتی کردند و علاقه داشتند که علت انحطاط عدلیه را بفهمند بنده حاضریم که در یک موقع مناسبی نظریات خودم را بر عرض برسانم ( صحیح است ) عرض میکنم آقای فرامرزی در عدلیه فقط پرونده و قانون حکم فرماست در عدلیه قاضی غیر از پرونده و قانون چیز دیگر نمیتواند بگوید حالا پرونده موجبات و مقدماتش در خارج چه بوده و چه هست ، این مربوط بعدلیه نیست ( مهندس رضوی - چه طور آقا ؟ ) . . . توضیح عرض میکنم عدلیه نمی تواند پرونده سازی کند یعنی در دستگاه عدلیه در دوا بر عدلیه پرونده سازی اصلا محال است ( مهدی ارباب - الان میسازند ) آقای نواب یزدی این جا حاضرند ، در تمام تصدی بنده بکرتیتم ششیم یک مستنظفی در عدلیه یزد ، گمان میکنم که آقای نواب شاهد باشند ، یک مستنظفی در زندان خواسته بود قضاوتی یک نفر زندانی که همش بود بیارود و از حدود وظایف خودش تجاوز کند اما آقای نواب میدانند که من با آن مستنظف چه معامله ای کردم ( نواب - آن فشار بقدری زیاد بود که هر سه نفر مردند ) . . . خلاصه با آن مستنظف معامله ای کردم که محکوم شد و برای همیشه از دستگاه دولت دور شد و از تمام خدمات دولتی محروم شد . اما این که عرض کردم که عدلیه فقط قانون میداند متأسفانه این تبلیغات سونی که بر علیه کردند اکثرش متوجه شهربانی کشور است هنوز هم متأسفانه شهربانی و آن تشکیلاتی که بود باقی مانده شهربانی یک دستگاهی است مستقل بخصوص در امور سیاسی هیچ مقامی ، هیچ نخست وزیری ، هیچ وزیر دادگستری ، وزیر کشوری در امور سیاسی حق امر و نهی در شهربانی ندارد و این در پرونده ها منعکس است ( مهندس

رضوی - این حق را قانون سلب کرده بود ؟ ) رضا صحبت بکنند ، خلاصه بنده از کشمکش زیاد من مجبور شدم خودم حضور شاه شریاب بشوم و جریان پرونده این شخص را من خودم حضور شاه عرض کردم و گفتم که پرونده این شخص را در عدلیه ممکن نیست بان رای بدهند بعد فرمودند که شما قانون را محترم بشمارید و اجرا کنید و فرمودند که شهربانی راجع باین شخص میگوید یک پرونده سیاسی هست وجود یک پرونده سیاسی را اظهار میدهم ما که مرده نیستیم شما تمام آنها را موجه جلوه میدهید ( ۵۰۰۰۰ رؤسای شهربانی در دوره گذشته یک وضعیتی برای خودشان ایجاد کرده بودند که آقای فرامرزی هم در بیان خودشان و در معاکمه موضوع بحث این مسئله را تذکر دادند ، رؤسای شهربانی نمی توانستند بعضی از رجال استخوان دار آن دوره را ببینند و ممانع خیالاتشان بود ، یا اینکه آلت یک سیاست هائی بودند ، سیاست های غیر مرئی ، در نتیجه بیابوش هائی برای بعضی اشخاص ساخته میشد ، بنده خود متوجه این نکات هستم و در این جا حضور آقایان اعتراف میکنم که متوجه این نکات شدم در زمانی که خودم وزیر دادگستری بودم ، الان یک نمونه بارزی در حضور آقایان عرض میکنم که بدانند که ما آنجا ننشسته بودیم که زیر بار یک خلاف قانون هائی برویم آنطور که آقای مهندس رضوی میفرمایند .

آقای عباس آریا که معاون وزارت راه بودند یک روزی شهربانی ایشانرا از پشت میز معاونت توقیف کرد درست نمیدانم که در صورتی که معاون وزارت راه بودند او را توقیف کردند یا نه ، چون خود بنده آنوقت معاون بودم و هنوز وزیر نشده بودم ، بعد از آنکه بنده از مسافرت اروپا برگشتم پرونده اشخاص را آوردند پیش من ، من دیدم که پرونده این شخص کاملا حکایت میکند از یک رشا و یک ارتشاء ، خدا شاهد است که من با آقای عباس آریا نه آن وقت و نه حالا هیچ خصوصییتی نداشتم بین خود و خدا و تکیه متوجه شدم دیدم ، بلی آقایکی از محارم بنده بن رسانند که این پرونده که ظاهراً اینطور مسلم و مسجل است که یک رشائی و یک ارتشائی واقع شده این پرونده ساختگی است و این شخص بی گناه است ، بنده مقاومت کردم باشهربانی ، کشمکش کردم از همان تاریخ هم من باهمال شهربانی سوء ظن پیدا کردم و همین طور کشمکش پیدا شد خلاصه بنده دلم میخواست که وقت می داشیدم آقایان نمایندگان محترم فرصت میدادند که این پرونده آقای عباس آریا را در عدلیه مطالعه میکردند و می دیدند که یکس از شاهکار های قضائی است که بنده در آنجا تمام آن معلومات قضائی خودم را بکار بردم برای اینکه وضیت این جوان را تعیین بکنم ولی شهربانی مقاومت میکرد تا اینکه یک روزی بنده نشسته بودم دیدم رئیس دیوان کیفر آمد پیش بنده و گفت که شما راجع باین عباس آریا چه نظری دارید ؟ گفتم هیچ نظری ندارم مگر تابعال هیچ نظری بشما ابراز کرده ام گفت میگویند که مقامات هاله راجع باین پرونده نظری دارند گفتم اگر راجع باین پرونده نظری داشته باشند من بایستی بشما بگویم و بایستی راجع باین پرونده بشما صحبت بکنم . بالاخره گفتم از کجا فهمیدید ، گفت از شهربانی گفتم که شهربانی هیچ حقی ندارد که با

مهندسی رضوی - اصل شکایت مردم را بنده خدمتتان نوشتم

رئیس - آقای دکتر در حدود ماده ۱۰۹ بیانات خودتان را بفرمائید .

دکتر مصدق - همین پرونده را آقای قائم مقام الملک که اینجا تشریف دارند من آن وقت در کار بودم خدا شاهد است که اگر این پرونده ای که برای ایشان تنظیم شده بود من اطلاع داشتم ( فرامرزی - بنده سؤال کردم که چه باید کرد - ) بعد از شهریور که منتشر شد باسناد همان پرونده آوردند در مجلس شورای ملی و از ایشان سلب مصونیت کردند این کارهای شهربانی را آقایان با کارهای قضائی نباید مخلوط کرد - بنده در موقعی که ماده واحده بود چه در چند هفته پیش مطرح بودی شهادت دادم بقانونی است تبصره پیشنهاد کردم که زندانها از این تاریخ بید تابع وزارت دادگستری باشند این پیشنهاد را بنده کردم منتهی چون پیشنهاد های زیادی با آقای رئیس رسیده بود و هیچکدام طرح نشده این پیشنهاد هم باقی ماند ، بنده این پیشنهاد را برای این کردم که شهربانی با سازمان قضائی اصلا مناسب یک کشوری نیست و در همه جای دنیا شهربانی کل از دوا بر وزارت کشور است و زندان بایستی جزء وزارت دادگستری باشد ( آشتیانی زاده - برعکس است دادگستری تابع شهربانی است ) . . . بنده وقتی کادر فرانسه بودم یک روز بیاز داشت گاه رفته بودم مدیر آن بازداشت گاه بمن گفت که در خاک فرانسه یک بازداشت گاهی نیست که بدون قرار مستنظف یک مجبوس را بپذیرد این پیشنهادی که بنده کردم برای کابینه سابق نبود و اگر وضعیتی پیش آمد باز این پیشنهاد را خواهم کرد که اصول حفظ شود ( صحیح است ) البته منظورم با آقای سرتیپ صفاری نیست سرتیپ صفاری اتفاقاً مرد شریفی است ولی ما نباید در نظر بگیریم که سرتیپ صفاری امروز رئیس شهربانی است تشکیلات شهربانی باید طوری شود که منشأ دیکتاتوری نشود خلاصه بنده منظورم این بود که در دادگستری یعنی دادگاه هیچوقت پرونده نمیتواند برای کسی درست بکنند و دادگامروی آن پرونده هائی میمهد دادگاه فقط فقط



قانون را مابست می کند حالا اگر در بعضی از پرونده ها عواملی باشد و فرض بفرمائید که اگر دو نفر با هم تباخی بکنند که یک کسی بگوید که من قاتلم و اگر این چنین شخصی آمد و اعتراف کرد که من قاتل بودم دادگاه جز اینک را به عنوان قاتل تعقیب کند و مجازات نماید چاره ندارد و اگر هر از این بود اشتباهات قضائی در قوانین پیش بینی نشده یکی از مباحث قانون جزا مسئله اعاده دادرسی است یعنی تجدید نظر در احکامی که تمام مراحل خودش را طی کرده و حتی از دیوان کشور هم گذشته است و این مسئله در تمام ممالک مترقی در قانون جزائی پیش بینی شده است که حکمی که از تمام مراحل خود گذشته است و از دیوان کشور هم گذشته است اگر بعدها کشف شد که مبنای آن حکم روی اشتباه بود ...

**آشتیالی زاده** - ما هم مجبور می شویم حرف بزنیم  
**رئیس** - آقا در حدود ماده ۱۰۹ فرمایشات را بفرمائید

**دکتر متین دفتری** - همین آقای فرامرزی مگر نبود اشاره فرمودند بعمل در نفوس آبا در نفوس که در معاکم فرانسه محکوم شد فرانسه هم تحت رژیم دیکتاتوری بوده یا اینکه خدای تعالی قضات میخواستند عالمی عالمی یک بی گناهی را محکوم کرده باشند ، لابد یک اوضاع و احوالی در پرونده در نفوس بوده است که قضات مجبور شده اند او را محکوم بکنند و بعدها که معلوم شد اوضاع و احوال خلاف بوده آمدند و روی اصل همین اعاده دادرسی یک حکم قطعی را برگرداندند ، این منحصر بایران نیست در ممالک دیگر مثلا در آلمان یکی از وزرای آنجا را که وزیر پوست و تلگراف بود چندین ماه توقیف کردند که آن بیچاره در زندان و توقیف گاه مرد بعدها کشف شد که آن شخص بی گناه بوده است مجبور شدند که بعضی از قوانین آلمان را روی همین تجربه عوض کردند و آن هم در آن بجهت دیکراسی آلمان بود زمان دیکتاتوری و زمان نازیها نبود روی همین اشتباهات است که در قوانین اعاده دادرسی پیش بینی شده است ، حالا مابست بموضوع این معاکم بنده وقتی که این موضوع معاکم مرحوم تیمور تاش و آقای حاج امین التجار طرح شد همان طوری که فرمودند من معاون وزارت دادگستری بودم و مطابق تقسیمات و طرح هائی که در مملکت هنوز هم هست دادستان دیوان کبیر و تمام دادستان ها تحت نظر مستقیم وزیر دادگستری انجام وظیفه میکردند در جریان این معاکم من هیچ دخالتی نداشتم جز همان پرونده که حالا هم هست ، بنده در اداره این معاکم دخالت و سرکشی نداشتم این است که بنده مجبورم از آقای حاج امین التجار چند کلمه عرض بکنم آقای حاج امین التجار از رجال شریف این مملکت هستند ( صحیح است ) بنده ایشان را از اول جوانی در دوره چهارم که خیلی زود وارد اجتماعات سیاسی شده بودم ایشان را میشناسم و بنده که در صف دمکراتهای ضد پشیمانان باور میگردم آقای حاج امین التجار آن وقت جزو دمکراتهای مهاجر بودند سران حزب دمکرات آزاد بخوانم آن زمان ایشان را کاندیدای تهران کردند بدون اینکه خودشان اطلاع داشته باشند و در تمام آن مدت جز حسن ظن و حسن

شهرت چیز دیگری نداشتم همیشه از ایشان جز نیکی ، جز حسن شهرت در تمام مدتی که زندگی کرده اند چیزی نشنیده ام اما راجع به محکومیت ایشان البته این جا مجبورم که نظر قضائی خودم را عرض آقایان برسانم محکومیت ایشان راست است که یک حکمی بالاخره برای ایشان صادر شده یک حکمی بعنوان رشاه برای ایشان صادر شده است اگر راشی باشد مرتشی هم هست اگر راشی نباشد مرتشی هم نیست مطابق ماده ۵۷ قانون مجازات هر کسی که محکومیت تأدیبی دارد بعد از ۵ سال اگر جرم دیگری نداشته باشد مشمول قانون اعاده حیثیت میشود . راست است از نظر قوانین جزائی محکومیت ایشان فعلا اثری که دارد البته از نظر سابقه این عمل بالاخره در یک حکمی منعکس شده و تا این حکم مطابق موازین قانونی از اعتبار نیفتاده این سابقه البته هست و آقای حاج امین التجار در تاریخی که قانون ۲۴ مهر ۱۳۲۰ گذشت در ایران نبودند این قانون مدت ۳ ماه تعیین کرده بود برای اینکه اشخاصی که در دیوان کبیر محکوم شده اند بتوانند تقاضای تجدید نظر بکنند ایشان البته در ایران نبودند که از این قانون استفاده بکنند و این قانون یک عیب دیگر هم داشت برای اینکه از روی قوانین عمومی که در قانون جزائی ما هست بطور کلی در اعاده دادرسی که عنوان خاصی است در قوانین جزائی ما پیش بینی میشود که اعاده دادرسی را همیشه میشود خواست یعنی هر وقت هر مطلبی کشف شد میشود اعاده دادرسی کرد ، هر وقت حکمی معلوم شد مبنای آن روی خطا بوده میشود اعاده دادرسی کرد ولی اینجا چون این قانون مدت ۳ ماه تعیین کرده ایشان نتوانستند استفاده بکنند اما از جهت مرحوم تیمور تاش در قواعد عمومی و در اصول معاکمات جزائی هست که اگر یک کسی فوت کرده باشد و بعد ها بعد از فوت کشف شود که محکومیتش روی تباخی معمولی یا کذب بوده و رتبه او حق دارد که اعاده دادرسی بخواهد لکن در این قانون که در آن زمان بجهت تنظیم شده بود این دو نکته غفلت شده است در آن قانون اولاً اعاده دادرسی را محدود کرده اند یک مدتی و آن مهلت گذشت و رتبه یک متوقفاتی تصریح نکردند که حق تجدید نظر دارد از جریان آن محکمه بنده در آنوقتی که این معاکم جریان داشت اطلاعات مستقیم نداشتم فقط وقتی که معاکم تمام شد بعد از مدتی که در منزل مرحوم تیمور تاش یک اسناد را توقیف کرده بودند این اسناد را تحویل دادند بدادگستری که در تحت نظر یک کمیسیونی رسیدگی بشود و تحویل وقتیکه ایشان وزیر دربار بودند سمت و اختیاراتی مثل ریاست وزراء هم داشتند برای اینکه رابط بودند ایشان بین وزراء و پادشاه همین خود بنده وقتیکه هر وقت مرحوم داور در غیبت بود و مسافرت بود با ایشان تماس داشتم و مطالبی که باید از یک نخست وزیر استفاده بشود آن مطالب بوسیله ایشان برض شاه میرسد و در آنوقت هم حقیقتاً بین خود و خدا ایشان را هم میشناسند یکی از رجال بزرگ ما بودند در همین مجلس یکی از پهلوهای مجلس حساب میشد غالباً در پشت همین تریبون یک نطق

های آتشین میکرد و کاینهارا میانداخت (حاذقی- این یکیش کار خوبی نبوده که کاینهارا میانداخته) اینها را کسی فراموش نکرده در آنوقت وقتی که آن اسناد را آوردند ما آن اسناد را تفکیک کردیم و انصافاً من باید عرض بکنم که در آن اسناد یک قسمت از خدمات ایشان کاملاً منمکس بود و بخصوص معلوم بود که او امر پادشاه متوجه خودش را در قسمت سیاست خارجی و داخلی مراقبت و اجرا میکرد و اگر آقای عباس اسکندری هم آن اسناد امید بندند خیلی خوشوقت میشدند برای اینکه یکی از موضوعات آن اسناد هم مسئله استرداد بحرین بود که در آن موقع خیلی مراقبت و اقدامات شدیدی راجع به استرداد بحرین میشد و آن اسناد منعکس بود و ما آن اسناد را تحویل وزارت خارجه دادیم بنده نمیتوانم اینجا وارد بحث آقای فرامرزی بشوم راجع به محکومیت آقای تیمور تاش عرض کردم که آقای حاج امین از نظر قوانین امروز ایرادی بر ایشان نیست برای اینکه اثر جزائی قانون مطابق ماده ۵۷ از بین رفته است (صحیح است) و اینجا حلال راجع باینکه این معاکم صحیح بوده صحیح نبوده درست بوده یا نیست مجلس جای بحث این موضوع نیست (صحیح است) حالا ما در مجلس نمیتوانیم نتیجه ای بگیریم اگر آن روز قانون اجازه میداد به رتبه مرحوم تیمور تاش که از آن قانون استفاده بکنند و آقای حاج امین هم استفاده میکردند و در محکمه مطرح میشد حقیقت روشن میشد که آیا این معاکم صحیح بوده یا نبوده حالا هم اگر برای اینکه این حق از آقای حاج امین که از همکارهای ما هستند و از رفقای ما هستند برایشان میسر باشد که بتوانند این سابقه را معو بکنند و دلایلی داشته باشند که بتوانند این سوابق را معو بکنند بایستی که بعقیده بنده اگر مجلس شورای ملی اعتبار نامه ایشان را تصویب کرد و حتماً هم انشاء الله تصویب خواهد کرد (بعضی از نمایندگان - انشاء الله) بایستی که ایشان در ضمن این تصویب این مجال را بهمیم که بتوانند در این محکومیت خودشان اگر میل داشته باشند تقاضای تجدید نظر بکنند (یکی از نمایندگان - و رتبه مرحوم تیمور تاش هم همینطور) بنده پیشنهاد میکنم که اگر آقای مغیر کیسیون هم موافقت فرمایند اعتبار نامه آقای حاج امین باین قید تصویب شود . مجلس شورای ملی با تصویب اعتبار نامه آقای حاج حبیب الله امین بدیوان کبیر کارکنان دولت اجازه می دهد نسبت به محکومیت آقای حاج حبیب الله امین و محکومیت مرحوم تیمور تاش بهر طوری که باشد مطابق قانون مهر ۱۳۲۰ تجدید نظر نماید (بعضی از نمایندگان - بسیار خوب) (عده ای از نمایندگان - مخالفیم) (صدرزاده - طرح قانونی لازم است) شما راجع با اعتبار نامه آقای تقی زاده این کار را کردید گرچه آقای مغیر این مشکل را حل میکنند ، (عده ای از نمایندگان - مذاکرات کافی است آقا رای ، رای)

**نراقی** - اجازه می فرمائید  
**رئیس** - اولاً ایشان برای توضیح اظهار کردند که علاوه بر ماده ۱۰۹ بعنوان موافقت با آقای حاج امین التجار اجازه نطق خواسته بودند این بود

که ایشان اجازه داده شد و بیاناتشان را کردند والا خارج از حدود ماده ۱۰۹ بوده است .  
**دکتر معظمی** - بنده یک اختطاری داشتم برای اینکه در اصل سابقه نشود و برای اینکه مجلس بایستی خودش قانونی که میگذرانند محترم بدارند این بیانات آقای دکتر هم منظور که فرمودند چون بعنوان مدافع تشریف آورده بودند میتوانستند حرف بزنند ولی بعنوان ماده ۱۰۹ در بیاناتی که آقای فرامرزی فرموده بودند ...  
**رئیس** - همین توضیح را دادند .  
**دکتر معظمی** - مقصود من اینست که بعداً باستناد همین ماده ۱۰۹ سوء استفاده نشود تمنا می کنم که نطق ایشان هم بعنوان موافق تلقی شود که بعداً ما دچار ماده ۱۰۹ نشویم  
**مسعود نایبی** - پس مخالف و موافق صحبت کردند .  
**نراقی** - بنده مخبر ششم هستم باید توضیح بدهم .  
**رئیس** - پیشنهاد کفایت مذاکرات رسیده اول باید به کفایت مذاکرات رای گرفته شود  
**نراقی** - عرض کنم که بنده بیانات آقای دکتر متین دفتری راجع به مرحوم تیمور تاش و پیشنهادی که کردند مخالف ندارم فقط یک تذکر اصولی می خواهم بدهم اینست که بنده که مخبر ششم هستم بعد از اینکه آقای فرامرزی اعتراض کردند اجازه خواستم و بنده اجازه داده نشد و مطابق ماده ۱۰۹ به آقای دکتر اجازه داده شد در صورتی که بهیچوجه منطبق با ماده ۱۰۹ نبود .  
**رئیس** - مگر شما متوجه نبودید که گفتیم ایشان بعنوان موافق با آقای حاج امین بعد از مخالفت آقای فرامرزی اجازه نطق گرفتند بآن جهت اجازه داده شد و آقای فرامرزی با نهایت احترام صحبت کردند نسبت با آقای دکتر متین دفتری و تقاضا کردند که یک طرحی پیشنهاد شود .  
**نراقی** - و اما عرض بنده ، چون صحبت آقای فرامرزی در خارج اینطور منمکس شد که چون آقای حاج امین التجار محکومیت دارند مجلس نباید اعتبار نامه شان را تصویب بکند و در اغلب از جراند اینطور منمکس شده است که محکومیت داوند بنابر این در اطراف این موضوع باید بحث شود و راجع با عاده حیثیت هم که فرمودند بنده باینکی از آقایان و کلاکه سابقه قضائی دارند صحبت می کردم میکنند در قانون هست که وکیل نباید محکومیت داشته باشد ولو اینکه مشمول مرور زمان و اعاده حیثیت شده باشد بنده از اینجهت راجع با آقای امین التجار ناچارم توضیح عرض کنم : مطابق قانون محکومیت جزائی قسمت جنحه گفته اند پنج سال و قسمت جنایت بعد از ده سال اعاده حیثیت میشود کرد و این موضوعی که تصور میشود که اگر کسی محکومیت داشته باشد که قید شده در قانون وکیل نباید محکوم باشد و اگر محکوم باشد وکیل شود صحیح نیست . برای اعاده حیثیت در قانون مایک ترتیبات خاصی نیست و خود بخود میشود (صحیح است) و دیوان کشور هم تصمیماتی دارد حکم شماره ۹۷۹ و ۹۶۹ مورخه دوم ارداد ۱۳۱۶ دیوان کشور میگوید اعاده حیثیت مستلزم عودت تمام شئون وضع سابق محکوم است (صحیح است) بنابر این در این موضوع ما هیچ بحث نیست و همینطور حکم شماره ۱۶۴۸ مورخ ۱۷ - ۷ - ۱۳۱۸

دیوان کشور میگوید تقاضای اعاده حیثیت امری نیست که بوجوب قواعد عمومی مانند دعوای قابل طرح پدر محاکم باشد و در قوانین موجوده هم حکم خاص و مرجعی برای رسیدگی باین تقاضا معین نشده و طبق مفاد ماده ۵۷ قانون مجازات عمومی در صورت قید و شروط در آن ماده اعاده حیثیت از اموری است که برای شخص خود بخود بدون احتیاج در حکم محکمه حاصل میشود (صحیح است) و معو کردن آثار محکومیت هم از سبب جزائی ظاهر امر اداری است نه قضائی و موقوف به صدور حکم از طرف محکمه نمیباشد منظور از این توضیح بنده این بود که بهیچوجهی این موضوع وارد نیست که آقای حاج امین التجار محکومیتی داشته اند برای اینکه مشمول مرور زمان شده است و اما راجع باصل محکومیت و چگونگی محکومیت هم منظور که آقای فرامرزی فرمودند بنده موافقم و معتقدم که این دوسیه را برای مرحوم تیمور تاش ساخته اند و طرز ساختن دوسیه هم همانطور است که آقای فرامرزی فرمودند بوده و بنده وارد جزئیاتش هم نیستم و همانطور که آقای دکتر در این موضوع پیشنهادی دادند بنده مخالفی ندارم  
**یکی از نمایندگان** - اصلاً موضوع ندارد  
**بعضی از نمایندگان** - رای ، رای  
**رئیس** - پیشنهادی رسیده است که قرائت میشود . ریاست محترم مجلس شورای ملی بنده مذاکرات را کافی میدانم (صحیح است) و معتقدم راجع با اعتبار نامه آقای حاج امین التجار اخذ رای شود .  
**رئیس** - مخالفی نیست ؟  
**فرامرزی** - مطابق ماده ۱۰۹ بنده اخطار نظامنامه ای دارم  
**رئیس** - بفرمائید  
**دکتر متین دفتری** - پیشنهاد بنده را بخوانید  
**رئیس** - بگذارید رای گرفته بشود  
**فرامرزی** - فقط دو کلمه است آقایان مطلب بنده را درست نفهیدند گویا ، مقصود من آن جنبه اخلاقی و معنوی است که بر این محکومیت مرتب میشود آقای مغیر اقرار فرمودند که در این قضیه پرونده ساخته شده مجلس شورای ملی راجع یک قضیه ای اقرار میکنند که آنجا پرونده ساخته شده (یک نفر از نمایندگان - اینک مطابق ماده ۱۰۹ نیست) و ترتیب اثری در این نیندهند و میروند روی جنبه خشک قانونیش چه مانعی دارد که پیشنهاد آقای دکتر متین دفتری مطرح بشود  
**عامری** - این پیشنهاد برخلاف قانون است طرح قانونی لازم دارد .  
**رئیس** - آقای حائری زاده .  
**حائری زاده** - اجازه فرمائید در موضوع پرونده آقای حاج امین مذاکراتی که در مجلس شد راجع به تیمور تاش و معاکم اش این مملکت هم مرحوم تیمور تاش را می شناخته هم حاج امین التجار را . مرحوم تیمور تاش با یک جماعتی در آن دستگامی که این آتش روشن شد شرکت داشته و بان آتش هم سوخته ما وارد آن بحث ها شد نمان موقعیت ندارد .  
**رئیس** - راجع به کفایت مذاکرات صحبت بفرمائید  
**حائری زاده** - عرض کنم آقای حاج امین سوابق آزادبخواهی دارند و اینکه در ایندوسیه گفته شد که این شخص اهلام جرم کرده اگر اهلام جرم

نمیشد محکومیت او پیش نیامد او هم همین آتش سوخته است مذاکراتیکه در اطراف موضوع این اعتبار نامه باید بشود شده اگر راجع به موضوعات دیگر مذاکراتی است طرح قانونی باید تهیه شود اینست که بنده پیشنهاد کفایت مذاکرات را کردم .  
**رئیس** - مخالفی نیست؟ (گفته شد - خیر) آقایان کجا نماینده گی آقای حاج امین از اصناف موافقت دارند قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد .  
**دکتر بقائی** - اولاً می خواستم از آقایانیکه برایش بنده توجه کردند و پادروی حق و حقیقت نگذاشتند یعنی آن ۴ نفریکه مهره سیاهشان را بر پشت در پشت این تریبون (یک نفر از نمایندگان - ۶ نفر) خودم هم یکی بودم میشود ۶ نفر ، از آنها تشکر بکنم و عرض آقایان برسانم که گرچه ما ظاهراً شکست خوردیم ولی باطناً فتح کردیم برای اینکه با این جرمیائیکه پیش آمد انتظار نرفت که ۴ نفر پیدا بشوند که رای مخالف بدهند برای اینکه این جریان که در جلسه گذشته مجلس پیش آمد کرد میتوانم ادعا کنم که در تاریخ پارلمانی بی سابقه بود دلیلش این بود که مولا کسانیکه بایک اعتبار نامه مخالفت میکنند یا با هر موضوعی باشد که یک عده ای توی رو در بایستی گیر بکنند و نتوانند مطابق وجدانشان رای بدهند تقاضای رای مغنی میکنند برای اینکه هر کس بتواند (اردلان - این حرفها چیست آقا وکیل آزاد است) (مکی - اگر آزاد است بگذارید حرفش را بزنند) ... تقاضای رای مغنی میکند برای اینکه هر کس بتواند آزادانه نظر خودش را اظهار بکند و تحت تأثیر عوامل مختلفه رود بایستی و چیز های دیگر فراموش کرد (صحیح است) همیشه جریان بر این بوده که کسانی که با یک امری مخالف بوده اند تقاضای رای مغنی میکردند برای اینکه افراد بشر بر چند دسته هستند و چون همکاران محترم من آقایان نمایندگان هم جزء افراد بشر هستند جزء همان چند دسته هستند یک دسته از آن ها کسانی هستند که صراحتاً عقیده خودشان را اظهار میدارند و از هیچکس بیم و هراسی ندارند و از حق و حقیقت طرفداری میکنند ، یک دسته آنها هستند که آنها هم از هیچکس هراسی ندارند و صراحتاً یا روی حق میگذارند و حق کشی میکنند . این دو قطب مخالف هست و در وسط اینها یک عده افرادی هستند که دلشان می خواهد برای حق و حقیقت کار بکنند ولی ضعف بشری رود بایستیا ، دوستها ، ملاحظات و هزاران چیزهای دیگر ممکن است جلو اظهار حقیقت اینها را بگیرد و رای مغنی اصولاً برای این موضوع درست شده که این دسته ای که نمیتوانند یعنی ضعف دارند یا یک ملاحظه ای در کارشان است که البته هیچ قابل حمله هم نیست چون این یک موضوعی است که بشر بالاخره یک نقاط ضعفی دارد و هیچ کس هم حق ندارد بگوید که چرا ؟ طبیعتش این است نمیتواند هلنا از حقیقت طرفداری کند و با دادن رای مغنی ممکن است مغنیانه از حق طرفداری کند و بطوریکه همه میدانند از ابتدائی که مجلس در دنیا تشکیل شده رای مغنی همیشه از طرف کسانی تقاضا میشده که بخواهند باطلی را بر خلاف نظر آن اکثریت زورمند پیش ببرند



چون یکمده ای ممکن بود تحت تأثیر قرار بگیرند رأی مغفی تقاضا میکردند من همین جهت از وقتی که تصمیم گرفتم باینکه با اعتبار نامه های اصفهان مخالفت کنم شروع کردم به تهیه رأی مغفی (صحيح است) یعنی از ۳ ماه پیش از ۹۰ روز پیش در این مدت ۹۰ روز بنده به بسیاری از آقایان نمایندگان محترم مراجعه کردم

**بعضی از نمایندگان**

بعضی از نمایندگان - عده کانی نیست رئیس - این تابلو را برای این گذاشته اند که آقایان نمایندگان وقتی میخواهند خارج شوند آنرا نگاه کنند و اگر از اکثریت مبادقت نزنند (بعد از چند لحظه عده کانی شد) بفرمائید

**دکتر بقائی**

از ۹۰ روز قبل شروع کردم به تهیه رأی مغفی به بسیاری از آقایان نمایندگان محترم مراجعه کردم و بعضی از آنها بمن گفتند که ما با تو هم عقیده هستیم باید این اعتبار نامه هارد شود ولی ما یک ملاحظاتی داریم یک رودر بایستیهای داریم یک نفر بستگی داشت یک نفر با یکی قوم و خویشی داشت که آنجا طرفدار ایشان بودند و حق ملی ذلک و گفتند که ما نمیتوانیم رأی مغفی را امضا کنیم ولی ما با تو کمک خواهیم کرد در مدت ۹۰ روز با تمام اصراری که من کردم ۱۱ نفر از آقایان محترم آن وقته رأی مغفی را امضا کردند یعنی برای رأی مغفی که ۱۵ امضا لازم است در مدت ۹۰ روز موفق نشده که چهار نفر پیدا بکنم که این تقاضا را تکمیل بکنم البته از هیچکس گله ای ندارم چون خودم کاملاً متوجه هستم که یک عده ای ممکن است در معذور باشند و نتوانند و این معذور ممکنست برای خود من هم در یک مواردی پیش آمد بکنند و برای هر بشری ممکن است پیش آمد بکنند چون در موارد انسانی و بشری میشود مثل موارد ریاضی یا فیزیکی حکم قاطع کرد و چون در جلسه گذشته من مایوس شدم از اینکه بتوانم رأی مغفی تهیه بکنم چهار نفر از دوستانم مراجعه کردم و یک تقاضای رأی با ورقه با امضا رساندم رأی باورقه بطوریکه میدانید باید هر کس باسم خوش رأیش را اظهار کند کسی که موافق است رأی سفید میدهد کسی که مخالف است ورقه کبود میدهد و اگر کسی هم منتع باشد هیچ رأی نمی دهد مطابق حسابی که من کردم (سید هاشم وکیل - آقا اعتراضات را بفرمائید) چشم میرسیم (اردلان - مجلس رأی داده است اینکه شایسته نیست) ۰۰۰۰ عرض کنم برای رأی با ورقه من حساب کرده بودم که در حدود ۲۹ نفر باقی اعزاز نیک بی رأی موافق خواهند داد چونکه در فرا کسیون هستند و البته آنکازمان فرا کسیون دارند این خیلی قابل احترام است که احترام فرا کسیونشان را رعایت بکنند (اردلان آقا این چه مربوط است مجلس رأی داده) آقا بگذارید من حرفم را بزنم وقتی که شما حرف می زدید من حرفی نزد

**اردلان - اختصار نظام نامه ای دارم**

رئیس - بگذارید حرف بزنند این مربوط به نظام نامه نیست بفرمائید آقای دکتر بقائی، **دکتر بقائی** - عرض کنم ۵۶ نفر را من حساب کرده بودم که رأی مخالف یا منتع خواهند داد و ۲۴ نفر هم مردد خواهند بود این که رأی موافق بدهند یا منتع و باین حساب اطمینان حاصل بود

باینکه اعتبار نامه آقای نیک بی رد خواهد شد نهایت اینکه در این حسابی که من کرده بودم من تنها بودم دیگران هم بودند که عین همین حساب را کردند اشخاص دیگری هم بودند که حساب کردند که اگر رأی هلی باشد نمیتواند در برابر فشار افکار عمومی آن چیزی که آقای اردلان منکرش شدند رأی خودشان را صریحاً بدهند ( اردلان - اختصار نظام نامه ای دارم) آقای اردلان من باید تا آخر حرفم را اینجا بزنم شما هم باید گوش بدهید وزارت هم کم مداد بزنید من باید تمام حرفهایم را بزنم اعتراض هم دارید باید بده بکنید ۰۰۰۰

**رئیس**

شما بعد اجازه بخواهید آقای اردلان فراموشی - بقدر حرفهای آقای اردلان نمیشود که غالبش هم زیادی است بفرمائید **دکتر بقائی** - ۰۰۰ آقایان هم همین حساب را کردند و دیدند که اگر رأی هلی شد موفق نخواهند شد باینجهت دیدند خوب این یک کار خطرناکی است و شاید وقتی که رأی اعلام شد یکمده ای رأی موافق خواهند داد و این خیلی کم است و یکمده ای هم مخالف خواهند بود و یکمده ای هم منتع میشوند چون از یک طرف رویشان نمیشود که با آقای اعزاز رأی مخالف بدهند و از یک طرف هم مواجه با افکار عمومی خواهند شد و بالتبقیه اعتبار نامه ای آقای اعزاز نیک بی رد خواهد شد برای اینکه همانطور که توجه کردید هیچیک از اعتراضات منطقی من در اینجا جواب داده نشد من حالا نمیخواهم در آنها وارد بشوم ولی همینقدر اشاره میکنم که تمام جوابهایی که با اعتراضات من داده شد سفسطه و مغلطه بود و این راه هر کسی که بخواهد در خارج مجلس برایش ثابت میکنم باینجهت آمدند یک کاری کردند کدر تمام تاریخ پارلمانی بیا بگویم بود و آن این بود که کسانی که طرفدار آقای اعزاز نیک بی بودند آمدند تقاضای رأی مغفی کردند کاریکه من در مدت ۴ ماه نتوانستم بکنم در عرض سه ربع ساعت آقایان انجام دادند برای اینکه همیشه حق در مقابل زور مغلوب است مایخود نباید خودمان را گول بزنیم حق و حقیقت همیشه از زور و پول توخالی میغورد ولی حق همیشه غالب خواهد بود (کشاورز صدر، آقای دکتر آن طرح را من هم امضا کرده بودم) الان بآن قسمت هم میرسم اجازه بدهید این هلی که کردند در عرض سه ربع ساعت دو تا ورقه تهیه کردند بجای یک ورقه یک ورقه اش را از یکمده از دوستان خود من آمده بودند گولشان زده بودند بعضی از آقایان هم توجه نداشتند گفته بودند که بی رأی مغفی لازم است آنها هم امضا کرده بودند ولی برای احتیاط که مبادا آنها متوجه بشوند و امضای خودشان را پس بگیرند یک ورقه دیگری هم برای احتیاط تهیه کرده بودند و این احتیاط را باندازه ای کردند که ورقه ای را که در اینجا آقای فولادوند قرائت کردند همان ورقه ای بود که اکثریتش را دوستان من امضا کرده بودند و ۱۴ تا امضا بیشتر نداشت ولی آن ورقه ای که امضا داشت ورقه ای آنها بود خجالت کشیدند اینجا بخواهند ولی بنده اینجا میخوانم (همه نمایندگان)

**رئیس**

آقا بگذارید بنده بتوانم مجلس را اداره بکنم اینرا نتوانید اینجا **دکتر بقائی** - اجازه بدهید بفرمائید **اردلان** - اختصار نظام نامه ای دارم **رئیس** - نتوانید آقا شما هم حق حرف زدن ندارید آقای اردلان

**دکتر بقائی**

آقایان مربوط است این مقدمه است

**رئیس**

تغییر نتوانید وارد بشوید در مخالفت با آقای صفا امامی

**دکتر بقائی**

س من مجبور میشوم که اینرا در روزنامه انتشار بدهم

**فولادوند**

آن ورقه ۱۰ امضا داشت بیکش را آقای ذوالفقاری آمد پس گرفت

**دکتر بقائی**

بلی پس گرفت ولی آن ورقه را شما نتوانید (زنک رئیس)

**رئیس**

بین الاثنین صحبت نکنید

**دکتر بقائی**

بدر صورتی بماند باشخاصی که آن ورقه دومی را امضا کردند واقف خواهید شد که چه کسانی بودند که امضا کرده بودند و خواهید دید که طرفداران آقای اعزاز نیک بی آن ورقه را امضا کرده بودند و نه مخالفین و اینرا من برای خودم بزرگترین فتح میدانم که آنها خجالت کشیدند که علناً نظرداری بکنند و مجبور شدند مثل همیشه سرشان را بکنند توی گونی

**حاذقی**

همه سر و ته یک کر باسیم مجلس رأی داده است آقا این حرفها چیست خجالت یعنی چه

**اعزاز نیک بی**

این حرفها را چرا میزنید تو باید خجالت بکشی که توهین میکنی افکار عمومی که دست تو نیست

**دکتر بقائی**

چشم من خجالت میکشم آقای نیک بی ولی پریشب که صدایتان اینقدر بلند نبود (خنده حضار) شما میتوانید بن فحش هم بدهید ولی این باعث افتخار من است

**هکی**

آقای دکتر بقائی استاد دانشگاه را هیچکس نمیشناسد اما شمارا میشناسد؟

**رئیس**

با آقای اعزاز نیک بی و آقای مکی هر دو اختصار کردم اختصار دوم اگر شد از جلسه خارجتان میکنم

**دکتر بقائی**

بنده معذرت میخواهم از این اظهاراتی که اینجا میشود و از تشنجی که تولید شده ولی لازم دانستم که در این مرکز این اظهارات بشود تا بدانند که ماها سر و ته یک کر باسیم نیستیم من اصلاً کر باسیم نیستم من گونی هستم بوریا هستم ولی آن کر باسیم که آقای حاذقی گفتند ما همه از سر و ته یک کر باسیم هستیم من نیستم و ۴۵ نفر دیگر هم این جا هستند که از آن کر باسیم نیستند و این بزرگترین امیدواری ماست که یک همچنین اقلیت قوی در این جا وجود دارد و بقیه سر و ته یک کر باسیمند چون خودشان ثابت کردند

**دکتر بقائی**

مجلس را من چیز زیادی بر آنچه که گفتیم ندارم که بگویم برای این که آقای امامی را هم بنده مثل (یک نفر از نمایندگان) خواهش میکنم صفایش را هم بفرمائید (بلی آقای صفا امامی را عرض میکنم نه آقای امامی را) مثل این که بد آدمی نیست من از اکثریت دوستانی که با من صحبت میکردند ششده ام مرد بسیار خویش گفته اند (صحيح است) از کسی نشنیدیم که نسبت سوئی باو بدهد یا نسبت سوء استفاده ای باو بدهد البته بنفع آقای صفا امامی یک اقداماتی در انتخابات بعمل آمد که من نمیخواهم دوباره اسباب تصدیع آقایان بشوم فقط دمووروش را عرض میکنم یک موردش یکی از گزارشهای روزانه است که از یکس از حوزهها داده اند چون میدانید در هر حوزه ای وقتی که شروع قرائت آراء میشود از صبح تا ظهر هر چه

رأی میخوانند در یک گزارش مینویسند که امروز ۸۰۰ تا رأی خوانده شد دارندگان این آراء این عده بودند یک گزارشی بین گزارشهای مختلفه مال همان سده و ماربین پیدا کردم که در آن روز ۵۰۰ رأی خوانده شده بود و این ۵۰۰ رأی که خوانده شد حد اکثر روی ه ورقه رأی سه تا اسم نوشته شده است یعنی با یک حساب ساده ۱۵۰۰ رأی باید باشد یعنی عده آراء اخذ شده باید ۱۵۰۰ تا باشد یعنی فرض کنیم آقای اعزاز نیک بی ۴۰۰ رأی آقای امین ۴۰۰ رأی آقای صفا امامی ۴۰۰ رأی کی ۲۰۰ رأی کی ۳۰۰ رأی و حد اکثر این آراء را که ما حساب کنیم باید ۱۵۰۰ تا باشد البته ممکنست که روی یک ورقه دو تا بنویسند ولی ما حد اکثر را میگیریم که باید ۱۵۰۰ تا باشد مجموع آراء کاندیدهای مختلف روی یکی از این گزارشها من همینطور بنظر وقتی نگاه میکردم زیادتر از ۱۵۰۰ تا رسید جمعی تا وقتی که جمع زدم دیدم جمعی ۱۵۴۸ است یعنی ۵۰۰ تا رأی خوانده شده باید آراء مجموع کاندیدها که مثلاً پنج یا ده نفر هستند بعد از حساب تمام اینها ۱۵۰۰ تا باشد در صورتیکه ۱۵۴۸ است یعنی پانصد رأی خوانده اند و ۵۱۶ رأی بحساب آورده اند این را دقت بکنید مقصودم در ۱۶ رأی نیست ۱۶ رأی تأثیری در بیست هزار رأی ندارد مقصود اینست که وقتی که این آراء را برای هر کسی مینویسند اینها را نینخوانند و همین طوری پیش خودشان مینویسند و آن کسیکه مینویسند ریاضیاتش یک قدری مثل من ضعیف بوده و نتوانست آن جمع را درست بیند این علت سوء جریان است دیگر این است که آقای اردلان گفتند که اگر هم این طور باشد تأثیری در آراء ندارد البته من نگفتم که اگر صندوق کوهپایه را باطل نمیکردند آقای اعزاز نیک بی وکیل نبش من آنرا مثال آوردم برای سوء جریان برای اصدال غرض برای حق کشی برای یاسمال کردن حق ملت من نگفتم که اگر اینها را بخواهند آقای اعزاز نیک بی وکیل نیستند خوب هم هستند و آقایان همکاران محترم من خواهند دید که بعد از این در مجلس صدایشان از همه بلند تر خواهد بود و گردنشان هم افراشته تر این طبیعی است همین طور هم بایستی باشد ولی آن مثالهایی که من آوردم برای این بود که سوء جریان را نشان بدهم و ثابت کنم که جریان غلط بوده این جریان را دو چیز به وجود آورد یکی نفوذ آقای اعزاز نیک بی بنوان معاون نخست وزیر و عمال وزیر پست و تلگراف یک چیز دیگر هم لازم داشت چون نفوذ خالی هم هستند حاضر نیستند که در جیبشان را باز کنند و پول خرج کنند باین واسطه یک کسی را بایستی پیدا بکنند که پول خرج بکنند اول آمدند این طوری که پرونده نشان میدهد آقای کازرونی را کاندید کردند آقای کازرونی مردی است تاجر محترم خانواده دار مثل آقای صفا امامی آمدند گفتند که یا کاندید بشو ایشانهم اصفهانی است خودش دستشان را خواند و گفت این چه کاری است که من پیام کاندید بشوم پول خرج بکنم بعد هم ممکن است وکیل بشوم و گفت ما میرویم دنبال کار و کسب خودمان و قبول نکرد اینها را تمام از روی پرونده میگویی نه اینکه تار و پود با قلم باشد بعد دیدند که نشد یک کسی هم لازم

است پول احتیاج دارند رفتند آقای صفا امامی را پیدا کردند گفتند آقای امامی تو مرد خوبی هستی محترم هستی خانواده دارم هستی مردم هم بتو ارادت دارند پول هم داری یا یک خورده خرج کن اینجا و وکیل بشو خوب وکالت مجلس یک چیزی نیست که کسی بدش بیاید ایشانهم یک قدری پول خرج کردند البته ایشان آن مقداری که بعضی ها در دوره های دیگر خرج میکردند خرج نکردند چون اصولاً اهالی زحمتکش اصفهان زیاد پول خرج نمی کنند ولی خوب باندازه ای که من خارج انتخابات بگذرد خرج کردند و وکیل شدند باینجهت من اعتراض که بایشان دارم شخص ایشان نیست ایشان را بزور کشیدند از خانه اش بیرون گفتند تو باید وکیل بشوی و اگر به تعقل خودش مراجعه بکنید چیزی که خودش هم هیچوقت انکار نخواهد کرد اینست که هلی رغم عمل بود در انتخابات آنجا آنچه که حق کشی میشد آنچه که ظلم بود فقط بوسیله آقای نیک بی شد تلگرافاتی که ایشان از تهران میکردند باین امضاء میکردند از طرف نخست وزیر اعزاز نیک بی آقایان که در ولایات بوده اند میدانند یک همچو تلگرافی اگر برسد از طرف نخست وزیر اعزاز نیک بی این دیگر تکلیفش معلوم است حتی لازم نیست که آن شخص قبلاً هم وزیر باشد یا معاون نخست وزیر باشد کافی است که برای هر یک از ولایات ایران شما یک تلگراف بکنید از طرف نخست وزیر حسنعلی جعفر ... (فرامرزی - قانوناً مجازات دارد پست و تلگراف باید امضاء بکنند) اگر قانون بود که این حرفها لازم نبود (آختیانی زاده - اگر قانون بود مال مردم را فراتر نمیبردند) عرض کنم راجع باعتبار نامه آقای صفا امامی من روی تجربیاتی که اندوخته ام نه تقاضای رأی مغفی کردم و نه تقاضای رأی با ورقه برای این که اولاً گفت ایشان شخصاً آدم خوبی است بر خلاف میل خودش حتی تا اندازه ای کشاندند و آوردندش توی کار و حالا که اینجا است می بینم از خیلی ها بهتر است باینجهت من تقاضای رأی مغفی نکردم برای این که اگر این کار را میکردم البته ممکن بود که من تقاضای رأی مغفی بکنم ولی اگر این کار را من میکردم نتیجه اش این بود که یکمده ای از قبل ایشان استفاده بکنند و من میخواستم که بیخود این ضرر را نکنند (اسدی - این که فحش است آقا) یکی آقا؟ (اسدی - بمان ها) بکسیکه کاری نیستند که فحش نیست (اسدی - این چه طور صحبت کردن است) حقیقت تلخ است البته تردید نیست از آقایان محترم اجازه میخواهم یک نامه ای که امروز بعد از ظهر در همین مجلس بمن رسیده قرائت کنم البته در این جریان اعتراضی که بنده بابت آن نامه آقای نیک بی کردم متجاوز از صد تا تلگراف داشته جمعی یا فردی از اصفهان بمن رسیده که یک نفر از امضاء کنندگان را نشانم زیرا در اصفهان من هیچ آشنائی ندارم که همه تشکر کرده بودند و مرا تشویق کرده بودند باین کار یک تلگرافی هم با ۶۰۵ امضاء رسید که تمام این چیزهایی که گفتید اشتباه است و خلاف حقیقت است و آنهاستیکه این تلگرافات را کردند ما تمییزشان نکردیم در هدیه نیدانم البته احتمال هم میدهم که آن اشخاصی که

این تلگرافات را کردند و حالا که اینطور شده تحت تعقب هم قرار بگیرند برای اینکه در مملکت ما هیچ بدی ندارد ولی مقصودم این بود که از آن تلگراف کنندگان تشکر بکنم و قدر جواب را کتباً بخواهم ولی یک نامه ای برای من رسیده است که اجازه میخواهم برای آقایان قرائت بکنم آقای دکتر بقائی اینجناب بنام یک نفر اصفهانی می خواهم از جنابعالی ۴۵ نفر دیگر از نمایندگان محترم که گوششان بندای وجدان آشنا و دلشان از نور حقیقت روشن است بمناسبت اعتراضات مدلی که بانتخابات ننگین اصفهان فرمودید سیاستگذاری نموده بملت ایران عموماً و بر مردم اصفهان خصوصاً بشارت دهم که در این صحنه انحطاط اخلاقی و فساد مردمی هستنکه دفاع از حق و حمایت از حقیقت را بر لایقیدها و تسامحات حق شکنانه ترجیح داده دستخوش سهو یا خطا نمیشوند جریان انتخابات اصفهان اگر مورد توجه و حق گذاری اکثریت مجلس قرار نگیرد حقیقت آن مسلماً در نظر یک ملیون اهالی استان دهم پوشیده نیست آقای ناصر قلی اردلان که خود مبتکر فلسفه خاص و معتقد بپروش مخصوص در حمایت از حق بزعم خویش میباشد با تظاهر به برابری در باره این جانب مرا شکست خورده میدان انتخابات دانستند در سو تیکه برای تحمیل این شکست ۵ ماه مرا بظلم و عدوان در زندان افکندند (صحيح است) و با همه آزار و شکنجه ها مردم حق گذار اصفهان در زیر سر نزه مأمورین شهربانی و زاندارم بیش از ۳۰ هزار رأی بنام بنده در صندوق ها ریخته اند ۶ هزار آن در ماربین و ۵ هزار آن در اردستان و دو هزار در شهر تویض شده که تمام مدارک آن در پرونده موجود است ولی باز هم بمقصد نرسیدند و بناچار صندوق کوهپایه را بنام تهدید ابطال کردند آیا مسخره نیست که با وجود هنگ زاندارم که مجری اوامر دولت بود و سایر عوامل نسبت تهدید شخصی بدهند که او را در شهربانی بجرم نگرفتن پول و عدم تسلیم بتعویض صندوق توقیف کردند در انتخابات اصفهان غیر از عوامل دولتی و سر نیزه زاندارم پول آقای صفا امامی گره گشایها کرد در صورتیکه چند روز در خانه مغفی شد که پول ندهد ولی او را رها نکردند و صریحاً تهدید کردند که اگر فعالیت نکنی توقیف خواهی شد من در اعتراضات خود بانجمن نظارت و مجلس شورای ملی که صد هزار تومان چک آقای صفا را آقای صحت عضو انجمن شب برای تعویض صندوق بر خوار بمنزل آقای محمد برومند برد و آن شخص محترم قبول نکرد من و آقای محمد برومند هر دو این مطلب را فردا با اطلاع جناب آقای ابوالقاسم امینی استاندان وقت رساندیم همچنین ۲۰ هزار تومان در منزل عقدائی رئیس انجمن با آقای قدرت الله بهروان آن مرد شریف دادند که صندوق کوهپایه را عوض کند و نکرد من آنچه را در این نامه مینویسم در پیشگاه معککه ثابت خواهم کرد و از آقایان ابوالقاسم امینی نماینده محترم مجلس و حاج میرزا حبیب الله امین و خود آقای صفا امامی استشهد مینمایم که در پیشگاه مجلس شورای ملی بر خاست بنام شرافت و وجدان اطلاعات خود را عرضه دارند تا حقیقت روشن و معلوم شود کدر چه کارند همه : حامد الدین دولت آقای



این نامه بعد از ظهری به بنده رسیده من خودم هم خیال داشتم ، خیال کرده بودم که این جا شهادت جناب آقای حاج امین را بخواهم راجع بانتخابات چون یقین دارم که مردی مثل ایشان ادای شهادت می کنند و منکر سوء جریاناتی که در آنجا خواهد بود نخواهند شد و خود آقای صفا هم شاید انکار این مطلب را نکنند برای اینکه همینطور که عرض آقایان رساندم ایشان آدم نجیب و محترمی هستند این جریانی که بنده خدمت آقایان عرض کردم آن اسامی که خواستم بخوانم و همین هائی که ترسیدند مشتشان باز شود نگذاشتند آنها را بخواهم مو کردند من آنها را منتشر خواهم کرد ، در روزنامه ها خواهید خواند اسامی آن کسانی که امضا کرده اند حالا جرات ندارند که اسمشان خوانده شود آقایان شاهان امضاء کرده اند شما بنگارید هافاه خوانده شود خواستم که پشت این تریبون عرض بکنم (آشتیانی زاده - شماره ۱۰۹) میترسانید بنده امضا کردم از شما هم نمی ترسم بفرمائید آقا بنده راجع بنده (۱۰۹ عرض دارم) (زنک رئیس) فقط يك مطلبی را میخواستم در اینجا عرض بکنم و آن مطلب این بود که در این مجلس يك جریانات مخفی وجود دارد که این جریانات مخفی را با متأسفانه در خارج کمتر کسی مطلع میشود مثل همین جریاناتیکه من بعرض آقایان و بعرض ملت ایران رسانیدم ومن اعلام میکنم که تا موقتی که من در این مجلس هستم هر وقت بر این جور جریانات اطلاع پیدا کنم آن را بازگو خواهم کرد برای اینکه اگر اشخاصی هم که سابق بر این بودند این جریانات را میگفتند ما امروز اطلاعاتمان بیشتر است فقط عرض بنده این بود که اگر آقایان تصور بفرمائید که ما مزاحم هستیم در این مجلس ممکن است ما را بیرون کنند آنوقت چون البته اکثریت دارند ممکن است ما را هر طوریکه بپوشانند راجع باین رای بدهند و فقط يك مطلب را بنده یاد رفت عرض کنم آنرا هم در آخر عرض میکنم و مرخص میشوم و آن اینست که پریش آقای اردلان در جواب من گفتند که اگر صندوق کوهپایه هم باطل نشده بود باز آقایان از نیک بی هم و کبیل بود بنده در جواب ایشان عرض میکنم صحیح است ولی اگر صندوق کوهپایه باطل نشده بود آقای صفا امامی و کبیل نبودند و آقای دولت آبادی و کبیل بودند . (صحیح است)

**فراقی** - بنده مغیر شعبه هستم .  
**آشتیانی زاده** - بنده هم عرضی دارم طبق ماده ۱۰۹ **رئیس** - اسمی از شما نبرند .  
**آشتیانی زاده** - بنده امضاء کردم .  
**اعزاز نیک بی** - بنده هم طبق ماده ۱۰۹ عرض دارم ( خنده حضار )  
**آشتیانی زاده** - مجلس انحصار است .  
**فرامرزی** - تکذیب میکنم آقای آشتیانی زاده جناب عالی هر چه میخواهید حرف بزنید قبل از دستور . بگذار دستور .  
**آشتیانی زاده** - آقایان قبل از دستور و بعد از دستور اجازه داده میشود که صحبت بکنید و با اجازه داده میشود صحبت کنیم .  
**رئیس** - آقای فراقی .  
**فراقی** ( مغیر شعبه ) - عرض کنم بطوری که آقایان استحضار دارند بنده چون مغیر شعبه هستم

شانطور که از آقای نیک بی و آقای حاج امین التجار دفاع کردم از آقای صفا امامی هم باید دفاع کنم آقای دکتر بقائی در بیانات امشبشان مطلب تازه ای فرمودند ولی ایشان آقای حاج امین التجار را و کبیل طبیعی اصفهان میدانند و بنده تعجب میکنم که اگر ایشان بجز این انتخابات اصفهان ایراد دارند همان جریانی که موجب شده آقای حاج امین التجار و کبیل شوند همان جریانی هم سبب شده که آقای صفا امامی و آقای اعزاز نیک بی هم و کبیل شوند و ایشان با آقای حاج امین التجار ایراد نکردند پس بنا بر این آقایان اینجا همانطور که عرض کردم رعایت این نکته را بفرمائید همیشه رعایت اصول را بفرمائید و آقای دکتر بقائی هم همیشه خیلی علاقه باصل دارند و میبایستی اگر بجز این انتخابات اصفهان اشکالی میداشتند در مورد آقای حاج امین التجار هم اشکال میکردند ولی معلوم میشود که ایراد ایشان راجع بجز این نیست راجع بصلاحت آقای اعزاز نیک بی و آقای صفا امامی است و امشب باز دومیته آقای دکتر بقائی مطالب سابقشان را تکرار فرمودند باضافه این نکته که فرمودند که آقای صفا امامی اگر آن صندوق کوهپایه را باطل نمیکردند ایشان و کبیل نمیشدند بنده عرض میکنم که صندوق کوهپایه مطابق مقررات باطل شده است برخلاف قانون نبوده است ( دکتر بقائی - این برخلاف قانون بوده است بایستی آراء را بخوانند و بعد باطل بکنند ) هر بخشی هر قطه ای که انتخاباتش مبنی بر تهدید یا تطمیع باشد انتخابات آن نقطه باطل است و راجع بکوهپایه هم رئیس ژاندارمری ، بخشدار ، اکثریت انجمن مرکزی تصدیق کردند که انتخابات آنجا باطل است بنا بر این آقای صفا امامی و کبیل اصفهان شدند چون بنده با آقای دکتر بقائی دوستی دارم دوستانه نصیحت میکنم يك فکری بکنم که قانون انتخابات اصلاح شود ما موافقیم که قانون غلط است و الا تا این قانون هست همین جور است . آقای صفا امامی و برادرشان در اصفهان کار خانه دارند ، خودشان میلیونها ثروت دارند ، متنفذ معنی هستند ، ملاک هستند تا این قانون انتخابات هست اینها انتخاب می شوند شما چه انتظاری دارید و شما نمیتوانید ایرادی بکنید و هر و کبیلی که متنفذین معنی با او موافق هستند آنوقت ایشان و کبیل میشوند و الا هر کسیکه نقوذی نداشته باشد آنوقت ممکن است که و کبیل نشود و دوره گذشته برادر ایشان و کبیل بودند ، ایشان مدیر کارخانه هستند شاید هم بنده اصولا با ایشان موافق نیستم ولی قانون طوری است که مطابق این قانون همین متنفذین انتخاب میشوند و ایشان در اصفهان کسان زیادی دارند ، قوم و خویش دارند ، کارخانه دارند ، میلیونها ثروت دارند اینها را بنده تذکر میدهم با آقایانی که شاید شاهد مبارزه خودشان بوده اند آقای دکتر بقائی شاهد مبارزه انتخاباتی نبوده اند در موقع انتخابات خودشان و الا اگر در جانی کسی شاهد مبارزه انتخاباتی شدید باشد همین شاکی های پیدا میشوند برای اینکه ۵ و ۶ نفر مبارزه میکنند باهم در اصفهان آنجا یک مبارزه شدید انتخاباتی شده بنده با آقای حسام الدین دولت آبادی نهایت ارادت را هم دارم ولی ایندوره ایشان موفق نشدند در دوره گذشته ایشان و کبیل بود در این دوره آقای صفا امامی موفق شدند و قتیکه مبارزه

انتخاباتی شد چنین اشکالات پیدا میشود آن شخصی که نفر چهارم یا پنجم شده این انتشارات را میدهند بنا بر این از لحاظ جریان انتخابات اصفهان بطوریکه عرض کردم هیچ ایرادی بجز این انتخابات اصفهان وارد نیست باز مجدداً آقای دکتر تذکر دادند راجع به آقای اعزاز نیک بی که ایشان معاون نخست وزیر و وزیر پست و تلگراف بودند بنده یکمرتبه آن موضوع را روشن کردم که این ایراد اصولی نیست در آن موقع ایشان نبودند و اگر هم استفاده ای کرده اند این مورد ندارد و جریان انتخابات اصفهان صحیح است (دکتر بقائی - آقا در آن موقع آقای دولت آبادی جیس بود) و خبر شعبه هم صحیح است شعبه بانتخابات اصفهان کاملاً رسیدگی کرد و آقای برزین را که مورد قبول همه آقایان هستند بنده بشهادت معلوم که ایشان در شعبه تشریف داشتند با نهایت موشکافی این پرونده رسیدگی شد آقای دکتر بقائی جناب عالی کی را قبول دارید ؟ آقای برزین را قبول دارید ؟ ( دکتر بقائی - البته که قبول دارم ) خوب پس ایشان شاهدند که انتخابات اصفهان کمال صحت را داشته و دوسیه انتخابات هم کاملاً موشکافی شده است .  
**رئیس** - آقای فولادوند مطابق ماده ۱۰۹ اظهاراتی دارند ؟  
**فولادوند** - بنده میخواستم خواهش بکنم که جناب آقای دکتر بعراض بنده گوش بگیرند اگر که حرفی برخلاف میل ایشان زدم و برخلاف عقیده شان ، اینجا تشریف بیاورند صحبت بکنند بنده منشی مجلس هستم و معمول است که هر پیشنهادی رئیس تقدیم میشود مقام ریاست یکی از منشیها یا بن مرحمت میکنند و بنده آنرا قرائت میکنم اولاً ایندو ورقه که بود من امضا نکردم عضو فرا کسیون دموکرات ایران هم هستم افتخار هم میکنم از اعضای وفا دار حزب هم هستم (صحیح است) روز اول هم حزب بانتخابات من کمک نکرده است اگر خواستید بگوروز در این مجلس بیاورم جلسوتان بگذارم می آورم منتهی من چون وارد حزب دموکرات شدم این بود که بعد از اینکه انتخابات را بردم من گفتم که من وفادار هستم ، این دو ورقه را بنده امضا نکرده ام مقام ریاست دوروزه بن مرحمت کردید یکی پس از دیگری من قرائت کردم اولی ۱۵ امضا داشت که یکیش مال آقای ذوالفقاری بود آمدند اینجا گفتند قلم بکشید روی این دومی را هم چون کافی بوده قرائت نشد ، علیهذا ورقه اولی را که رئیس بن داد من قرائت کردم دومی را که خواستم قرائت کنم آقایان صدا زدند کافی است و بنده عرض کردم که یکمقدار دیگر امضاء هست و میخواهید قرائت بکنم ومن در مواقعی که اینجا مهره سیاه و سفید آقایان میدهند یا ورقه قرائت میکنم شاید ملاحظه کرده اند از جهت اینکه بنده سابقه هدایه دارم و مستطقی مدعی الموم بودم بقدری انگشتم را بالا میکشیدم که همه آقایان ببینند (صحیح است) کاسه هارا زیر و رو میکنم که یک نفر سوء ظن پیدا نکند بنده سالها در شهر خودتان مدعی الموم و رئیس هدایه بودم (دکتر بقائی - بنده که عرضی بشما نکردم) بنده اگر بازوس انتخابات همدان بودم آقای برزین اینجا نشسته بود (برزین صحیح است صحیح است صحیح است صحیح است) بنده میخواستم زیاد تر صحبت بکنم ولی لازم نیست **دکتر بقائی** - من حرفی بشما نداشتم

**رئیس** - آقای حاذقی موافق هستند (جمعی از نمایندگان ذی آفاری)  
**حاذقی** - من پنج دقیقه از مقام ریاست اجازه گرفتم و آقایان استدعا میکنند که فقط این پنج دقیقه ای که صحبت میکنم توجه بکنند . پنجاه و نهم است که مجلس افتتاح شده است و من اولین بار است که اینجا میخواهم عرض بکنم که يك موضوعی که نتیجه ای و نفعی برای مردم ندارد طرفدار آن نیستیم بنده طرفدار عمل هستم ، طرفدار کار هستم و طرفدار این هستم که مجلس شورای ملی با تخفیف آلا و مصائب ملت خدمت کند باین مملکت و این مفاسدی که در مملکت هست از ریشه براندازد و با وضع قوانین مفید و همکاری حیثانه بایکدیگر موجبات رفاه مردم را فراهم بیاورد اگر چنانچه این رویه معمول بشود باور بفرمائید آقایان ، مردم ایران نسبت بمجلس شورای ملی نه تنها بدین نیستند کمال خوشبینی را هم دارند ولی اگر کاری انجام نگیرد تا پایان دوره تمام وقت صرف حرف و صحبت و مشاجره و مجادله و لجن مالی کردن همدیگر بشود و بخدای لاشریک ملت ایران کوچکترین احترامی نخواهد گذاشت خواهش میکنم اجازه بفرمائید عرض کنم که در تمام دوره ۱۴ من اینجا مکرر در مکرر اصرار کردم که آقایان بیایند قانون انتخابات را اصلاح کنید (همه نمایندگان) اجازه بفرمائید من اجازه گرفتم من بعنوان موافق با این پرونده اجازه گرفتم مقام ریاست هم اجازه فرمودند عرض کنم من اصرار کردم که آقایان بیایند برای مصلحت مملکت یا روی منافع شخصی خودمان بگذاریم و این قانون را اصلاح کنیم مطابق نظر موجهین ملت و طوری باشد که در هر ناحیه ای در هر شهری آن اشخاص انتخاب بشوند که مقبولت عامه دارند و مورد اعتماد ملت و مردم هستند نکرده اند حالا هم آقایان پنجاه و نهم است گذشته ، مکرر هم صحبت شده است آقایان بجای اینکه بخوانند کار را از اساس و بنیاد درست بکنند متأسفانه باین مشاجره ها میپردازند و بازم وقت میگذرد و بازم این مسائلی که الان هست تکرار میشود و باز هم همینطور وقت مجلس و ملت ایران بهدر میرود من خواستم با آقایان عرض بکنم این بیاناتی که آقای دکتر بقائی اینجا فرمودند من شخصاً بایشان ارادت دارم جوانی هستم دانشمند ، تحصیل کرده ولی بسیار کج سلیقه ، بسیار منفی باف . خیلی مدعرت میخواهم بسیار عوام فریب ببخشید (دکتر بقائی - خوشوقتم که با شما از يك کرباس نیستم) عرض کنم همینطوری که ایشان يك نامه ای اینجا خواندند خدا شاهد است یا تصدیق آمدند در مجلس شورای ملی و از مشهوری های آقا هستند آن نامه هائی را که شما خواندید گفتند که عوام فریب هستید دلایلی هم دارم یکی از آنها هم یک نفر صاحب منصب عالی رتبه وزارت فرهنگ است گفت ایشان و کبیل ما هستند نه بدرد ما رسیدگی میکنند نه بشکایات ما میرسند تمام اوقات خودشان را تلف میکنند من میخواهم عرض بکنم که انتخابات اصفهان با يك اندک تفاوتی سر و ته سایر انتخابات ایران است (دکتر بقائی - توهین میکنید خیلی تفاوت دارد ممکنست با انتخابات شما یکی باشد) من خدا شاهد است (تمام مردم ایران میدانند که صرفاً با آراء طبیعی انتخاب شده ام) (صحیح است) (دکتر بقائی - با اینقدر تعلق همه کار می شود

کرد) همین آقای اعزاز الدوله نیک بی اگر نبودند شما و کبیل کرمان نبودید ایشان دو کمیته مرکزی بودند و موافقت کردند که شما کاندید حزب باشید و الا در کرمان منتفذ تر از شما مقتدر تر از شما ، قویتر از شما ، سر شناس تر از شما ، با شخصیت تر از شما ، وجود داشت ، جناب آقای سردار فاخر حکمت کمک کردند و شما کاندید حزب شدید (زنک رئیس)  
**رئیس** - علت همین است که من شما اجازه نمیدهم ، شما آمدید موافقت کنید این چه صحبت هائی است ؟  
**حاذقی** - بسیار خوب ، بیش از این وقت ملت و مجلس دیگر نباید صرف صحبت در اعتبار نامه ها بشود مردم بستوه آمده اند خواهش میکنم اجازه بفرمائید که باعتبار نامه ایشان رای داده شود بعد هم آقای دکتر متین دفتری و یکی دو نفر دیگر که مانده اند مطرح بشود این کار را تمام بکنیم برویم روی برنامه دولت و قانون تصویب بکنیم ، هزار و سیصد معلم چهار ماه است مشغول خدمت هستند و حقوق ندارند . قانون اینها آمده است که بیستون بودجه تصویب کرده ، کمیسیون فرهنگ تصویب کرده و جزء دستور مجلس است بگذارید این قوانین تصویب بشود ، قانون محدود کردن بازرگانان خارجی جزء دستور مجلس است بگذارید کارهای مفید بکنیم مردم هم بمجلس بنظر خوب نگاه میکنند  
**رئیس** - آقای حاذقی ضمن بیاناتشان گفتند که انتخاب آقای دکتر بقائی با کمک آقای اعزاز نیک بی بوده و راجع بانتخاب آقای دکتر بقائی آقای اعزاز نیک بی کمک کرده اند من بکلی تکذیب میکنم زیرا در انتخاب ایشان هیچ کمکی نشده است جریان او يك جریان خاص و بیمل مردم است . پیشنهاد کفایات مذاکرات شده است که قرائت میشود (بشر ذیل قرائت شد)  
**مقام ریاست** معظم مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم بکفایات مذاکرات رای گرفته شود که بیشتر از این وقت مجلس تلف نشده و سایر امور رسیدگی کنند محمد علی دادور . (جمعی از نمایندگان - مخالفی نیست)  
**رئیس** - رای گرفته میشود بنمایندگی آقای صفا امامی از اصفهان آقایانی که موافقت قیام کنند (اکثر بر خاستند) تصویب شد (جمعی از نمایندگان - مبارکست) آقای امامی خوشی اعتبار نامه آقای با تامل قلیچ مطرح است بفرمائید .  
**نورالدین امامی** - آقای حاذقی يك تذکری دادند که پنج ماونیم ، شش ماه است که از هم مجلس میکنند و هنوز مادر مراحل اولیه هستیم این حرف ایشان در من یکی که تأثیر کرد ، من عرایضم را خیلی مختصر و بیش از چند دقیقه نخواهم کرد (حاذقی - تشکر میکنم) که دو نفر از همکاران محترم هم آقای گنجی های و آقای دکتر راجی با اعتبار نامه آقای با تامل قلیچ مخالفند اینست که من عرایضم را خیلی کوتاه خواهم کرد و نوبت را میدهم با آقایان  
**جمعی از نمایندگان** - اکثریت نیست (بعد از چند لحظه عده کافی شد)  
**رئیس** - بفرمائید آقای امامی .  
**نورالدین امامی** - من با آقای با تامل قلیچ کوچکترین سابقه سوئی ندارم و بلکه بتصدیق خود ایشان با ایشان رفیق هستم و آنهم تازه رفیق نشده ام رفیق ده ساله دوازده ساله هستم و مخصوصاً بایشان ارادت دارم برای اینکه يك مرد خیری هستند و در

امورات عام المنفعه شرکت میکنند و پول هائی که ایشان هر سال در راه خیرات و مبرات مصرف می کنند مقدار کثیری را اطلاع دارم چندی قبل ورزشکار های آذربایجانی ، که تهران آمده بودند دعوتی از طرف نمایندگان معتمد آذربایجان در باشگاه ورزشی کرده بودیم از آنها و ایشان سنگین ترین خرجش را تحمل کردند من بشخص ایشان ارادت دارم ولی اعتراضم باین است که در اردبیل ، مهد شاه صفی که يك وقتی مرکز تمدن ایران بود و الا صد و پنجاه دوست نفر لبسانسبه حقوق اردبیلی در تهران هست یک نفر غیر اردبیلی برای چه وارد بیل تحمیل شده و از اردبیل و کبیل شده اعتراض من فقط از این نقطه نظر بانتخاب آقای با تامل قلیچ است گمان میکنم تمام نمایندگان معظم سابقه دارند که در ساله شوق گذشته اهالی غیور و وطن پرست اردبیل چه از جان گذشته کی وفدا کاری کرده و بچه ترتیب از زاد و بوم شاه صفی دفاع کردند آیا سزاوار است بعد از اینکه فدا کاری اجازه ندهیم یک نفر از مشهوری های خود را بمجلس شورای ملی بفرستند آقای با تامل قلیچ چه معروفیتی در اردبیل داشته که بتواند از اردبیل و کبیل شوند آقای با تامل قلیچ چه مقامی را در ایران احراز کرده بودند که آن مقام موجب معروفیت و در نتیجه انتخاب ایشان از اردبیل بشود یک روز ضمن صحبت از خود ایشان سؤال کردم که شما قبل از انتخابات و سفر اخیر خودتان وارد بیل هیچ وارد بیل تشریف برده بودید ؟ در پاسخ من فرمودند که چند سال قبل موقعیکه دولت مقداری گندم از اردبیل تهران می آورد من برای حمل آنها با کامیونها و اتومبیل های شخصی خودم وارد بیل رفتم البته نمایندگان محترم تصدیق بفرمائید حمل گندم دولتی با کامیون ایشان معروفیتی برای شخص در محل تهیه نمیکند آنهم معروفیتی که و کبیل منحصر بفرز اردبیل بشود . همکاران گرامی من آذربایجان مستکشیه و درد دیده است ، مردمان آن سامان انتظار دارند که در مقابل آنچه فشار و آنچه سختی توجه بیشتری ببرد های دولتی آنها بشود (صحیح است) انتظار دارند در مواردیکه شخصیت و احترام و عظمت آنها در خطر است سایر برادران ایرانی بآنها کمک بکنند ، اینست که من بنام یک نفر آذربایجانی بنمایندگان معظم عرایض و درد دل آنها را ابلاغ و عرض میکنم نمایندگان محترم ، اردبیل وطن شاه صفی و شاه عباس کبیر است و بدانید مردمان غیور و میهن پرست آذربایجان منتظر قضاوت مجلس شورای ملی درباره انتخاب و کبیل آنها میباشد (احسن)  
**رئیس** - مغیر شعبه آقای امینی است که نیست خودتان بیانی دارید آقای با تامل قلیچ ؟  
**با تامل قلیچ** - چون آخرین دفاع با من است آقایان دیگر هم مخالف خودشان را بکنند  
**رئیس** - دو نفر مخالف نمیشود صحبت کنند .  
**یک نفر از نمایندگان** - منشی شعبه هم میتواند صحبت کند و دفاع کند  
**رئیس** - منشی شعبه هم دفاع نمیکند  
**با تامل قلیچ** - بنده موافقت میکنم که دو نفر آقایان هم صحبت کنند .  
**رئیس** - شما نمیتوانید موافقت بکنید دو نفر مخالف نمیتوانند صحبت بکنند مخالف قانون است  
**با تامل قلیچ** - جواب فرمایشات آقای امامی را بعداً خواهم داد .



**لراقی** - بنده اخبار نظامنامه ای دارم .  
**رئیس** - راجع بجهامه ؟  
**لراقی** - وقتی که مغرب شنبه نیست اصلا نیاید اعتبار نامه مطرح شود .  
**رئیس** - آقای باتماقلیچ خودتان می توانید چند دفعه هم صحبت کنید . بفرمائید اول مختصر بگوئید دوم تریه هم می توانید حرف بزنید .  
**باتماقلیچ** - تمام فرمایشاتی که آقای امامی مکرر عزیز کردند رد میکنم زیرا من آذربایجانی هستم و در آذربایجان بودن من هیچ تردیدی نیست و قیلا هم میگویم بمرض آقایان نمایندگان محترم برسانم که نیگویم بالفاظ فریبنده و تمارفات در تصمیم نمایندگان محترم درباره خودم تأییری کرده باشم هر تصمیمی از طرف نمایندگان محترم پس از ارائه مدارک و اداه توضیحات بعد از این که آقایان اعتراضات خودشان را فرمودند هر تصمیمی بگیری برای من بصلاح است زیرا بنده معتقدم که بشر در سرنوشت خودش تغییری نمیدهد و هیچ صلی انجام نمیکرد مگر بخواست خداوند تبارک و تعالی باین ایمان نه در گذشته و نه حالا از هیچیک از آقایان تقاضائی ننمودم و حالام عرض میکنم پس از ارائه مدارک باقضاوت وجدان یک نمایندگان محترم روبرو خواهم شد (صحیح است - احسن)

**رئیس** - آقای گنجهای .  
**گنجهای** - خاطر آقایان نمایندگان محترم مستحضر است که بنده در مباحثاتی که در این چندماهه اوایل تشکیل مجلس شورای ملی شروع شده و مدودی تحت تأثیر عوامل خارجی که بقیه اینجانب بهیچ وجه نیاستی در مسائل داخلی مجلس شورای ملی منعکس شود بدون دلیل و برهان با اعتبارنامه چند نفر مخالفت کردند شرکت ننمودم و اطمینان داشته باشم هیچوقت عقاید خود را روی حب و بغض یا سابق ارتباطیم با اشخاص قرار نداده و در هر موقعی هم مهره سپاه و سفید بیان آمده تنها از صدای وجدان خود تبعیت کرده ام و از خداوند خواستارم کمین و همکاران محترم را از لغزش و اشتباه مصون فرمایند (باتماقلیچ - انشاء الله) در موضوع اعتبارنامه آقای باتماقلیچ مراعات اصول مسلمة قانونی و اجابت تقاضاهای کتبی و لگرافی محترمین و معتدین شهر اردبیل مرا ملزم نموده سکوت را بشکنم و خوشی را ترک گویم و تهدید و تطمیع و مداخلاتی را که در این انتخاب بعمل آمده تشریح نمایم و از ساحت مقدس مجلس شورای ملی بنام نمایندگان آذربایجان در عاده حقوق قانونی موطنان اردبیلی استمداد نمایم و این مطلب را هم عرض میکنم چون قبل از ورود به ساحت مجلس شورای ملی هیچگونه سابقه آشنائی با آقای باتماقلیچ نداشتم البته با عدم آشنائی سابقه با احوال ایشان نمیتوانم نسبت بصلاحت شخصی و اخلاقی ایشان اظهار عقیده نمایم ولی این نکته محرز است که ایشان صلاحیت انتخاب شدن از اردبیل را برابر مواد ۱۲ و ۱۴ قانون انتخابات مجلس شورای ملی نداشتند و ندارند اگر چه متقاضی این بود که در اول افتتاح مجلس مصائب و بلاهایی که بر ایشان و آذربایجانی وارد شده بمرض نمایندگان محترم رسانند ولی برای اینکه اوقات مجلس شورای مشغول و خاطر حضرات از شنیدن مصائب و وارد مکرر نگردد نمایندگان آذربایجان

از این مقوله حرفی نزدند حالا برای این که آقایان محترم با علم و اطلاع باوضاع و احوال آذربایجان در مورد انتخابات اردبیل بهتر قضاوت فرمایند اجازه میگویم بعنوان مقدمه در کلیات مطالب مختصری عرض کنم . پس از آنکه کشور از قوای بیگانه تخلیه گردید همه امیدوار بودیم روزهای خوشبختی و سادتی در پیش باشد و دیگر هیولای اضحلال و نابودی یکسره از این عکسور رخت بر بندد متأسفانه ظهور اغشاشات و نا امنی و طغیانهای متوالی در نقاط مختلفه کشور امیدها را مبدل بیاس و پریشانی خاطر کرد و چون آذربایجان بشهادت تاریخ همیشه دارای سهم بزرگی از مقاصب وارده بکشور است در آن سرزمین وضعیتی پیش آمده که بیان بنده قاصر از این است که بتوانم صدیک بدبختی های وارده را توصیف نمایم .  
بطور کلی در اثر عملیات خائنانه کارگردانان نهضت قلابی و دستیاران مرکزی آنان در استانهای سه و چهار آذربایجان و زنجان خاندانی نیست که در ماتم عزیزان خود اشک حسرت به امان نریزد (صحیح است) و خانوادۀ نیست که بهزاران بدبختی دچار شده و جان آنها در معرض خطر نبوده و اموالشان بینما و تاراج نرفته باشد (صحیح است) و اگر رفتار و کردار بعضی از این مزدوران را به فجایعی که منولان در ایران مرتکب شده اند تشبیه کنیم راهمیانه نرفته ایم . به ترتیب پس از آنکه ادش شاهنشاهی از زنجان بمرکت آمد و دسته های نهضت مقاومت که در تبریز و سایر شهرستانها تشکیل شده و تا آن وقت در خفا مشغول عملیات بودند یکباره در همه جا بر علیه خائنین شوریدند و چنان ضربت محکمی بیدهان آنان کوفتند که نیازی بعملیات نظامی نماند . با وجود این همه خسارات کمر شکن جانی و مالی در نیم قرن مبارزه در راه استقلال و آزادی کشور در شش سال تمام جان کندن در تحت اشغال بیگانگان آذربایجان و اهالی ستمدیده آن هیچگونه یاداشی را منتظر نبوده نیست و بالاترین یاداشی همان تشریف فرمائی اهل حضرت همایون شاهنشاهی بود که دست مهر و محبت بر سر پیمان و بیوه زنان و مادران داغیده کشیدند و از ابراز هیچگونه عواطف شاهانه مضایقت فرمودند (صحیح است) و شاید تاریخ ایران پذیرائی های شایان و از دل بر آمده و استقبال بی نظیری که در تبریز و رضائیه و اردبیل و سایر شهرستانهای تابعه از مقدم یگانه مظهر ملی خود نشان دادند بیاد نداشته باشد (جمعی از نمایندگان عده کافی نیست)

**رئیس** - بفرمائید عده کافی شد .  
**گنجهای** - چندماه پیش باتفاق آقایان نمایندگان آذربایجان در اولین فرصت خلاصه مستصیبات اهالی استان ۳ و ۴ را در دو جمله باطلاع اولیای امور رسانیدیم که آذربایجان خواهان توسعه فرهنگ و بهداشت و تشنه آزادی و عدالت است اگر این دو برای آن سرزمین تأمین شود از وضعیت فوق العاده حساس آنجا میتوان مطمئن و آسوده خاطر شد . (صحیح است) (باتماقلیچ - همین دلیل بنده را وکیل کردند) راجع به فرهنگ و بهداشت آذربایجان در آینده نزدیک اطلاعات جامعی بمرض آقایان محترم خواهد رسید . آقای حاذقی فرمودند که سکه ۱۴۰۰ دیر برای آن لایحه ای کدر مجلس باید مطرح شود مصلحت هستند در این موضوعی که فرمودید

۲۸ دیر برای رضائیه که باید در آنجا تدریس بکنند مانتوانستیم از وزارت فرهنگ بگیریم تصویب این قوانین بجهت درد خواهد خورد وقتی که وزیر نتواند برای رضائیه که دانش آموزان آنجا گرو کرده اند دیر بفرستد این معنایش چیست ؟ چه خواهد شد ؟ (حاذقی - ۱۸۰ نفر آن تصویب شد) (هلای حال آنرا برای بعد میگذاریم (اردلان - پول نداشتند) (بهادری - چرا تمهید کردند و ندادند) از منظور مهم دومی که هبارت از تأمین آزادی و عدالت اجتماعی باشد متأسفانه اثری مشهود نیست بلکه عده ای از مامورین و عناصر غیر صالح برخلاف آن هر روز با پایمال کردن مقدس ترین حقوق مسلم ملی در شهرستانهای آذربایجان توده ملت را از دولت مایوس و از هیئت حاکمه ناامید و بیزار مینمایند . مداخلاتی که مأمورین دولت در اثر تطمیع آقای باتماقلیچ و شرکای ایشان در انتخابات اردبیل نموده اند قابل برده پوشی نیست ، این اشغالگران کرسی های پارلمان با کیسه های اسکناس قیلامأمورین محلی را زر خرید خود نموده و تحت سلطه خود قرار داده و بوسیله آنان اهالی را مجبور بانقلاب خویش مینمایند و دادرسی نیست که از تطمیع این حقوق اولیه بشری جلوگیری نماید در تلگرافاتی که قرائت خواهد شد ملاحظه بفرمائید مأمورین مسلح و غیر مسلح دولت بچه وسائلی متشبث شده و برای اینکه در ازای وجوه مأخوذه خدمت شایان با آقایان غاصبین کرسی های کاندیدا های محلی نمایند از هیچگونه تمهیدی و اجعاف فرو گذاری نمودند و این قبیل کارها تشنجت و بحران های جدیدی در آن سامان ایجاد کرده و پس از مدت ها شکنجه و عذاب تازه موقعی که اهالی بایستی بامید آینده درخشانی نفس راحتی بکشند دچار سرنوشت غم انگیزی گردیدند ، مسلماً این رفتار مأمورین اثرات بس عمیقی در قلب آنها خواهد گذاشت و بهانه های تازه تبلیغاتی وسیعی بدست آشوبگران خواهد داد ، این هیئت حاکمه باندازه ای بی اعتنا بافکار عمومی است که صدای ناله و فریاد هم بیفشان خود و تبلیغات مضر و زهر آگین را که بر علیه کشور از رادیوهای جهان میشود ناشیده میگرد و بانجام اصلاحاتی که آذربایجانی در انتظار آن نشسته است علاقه ای نشان نمیدهد . در دوره های گذشته چنانچه نمایندگان بنقاطی تمحیل شدند همیشه این نکته رعایت میگردید که لااقل نماینده تمحیلی جنبه محلی داشته باشد ولی در این دوره بیاد آورده و تندرکات خورد و موافق مصلحت نیز وقتی گذاشته شده آقایان نمایندگان محترم از عرض این نکته ناگزیریم که دولت و هیئت حاکمه تاکنون احساسات و روحیات و عواطف و اخلاق ساکنین نقاط مختلفه بالخصوص مرزداران کشور را نتوانستند از لحاظ معرفه الروح درست تشخیص و امیال و احساسات آنان را تأمین نمایند مسلماً بدانند همین انتخابات اردبیل و مهیاد چنان تأثیرات عمیقی در افکار عمومی آذربایجان بخشیده که در صورت قبول شدن نمایندگان تمحیلی تا چندسال دیگر تبلیغات توأم با اصلاحات نیز نتواند نماید و ضربتی که در اثر این اهانت بعیثت اهالی اردبیل وارد شده و آنان را از شرکت در حکومت ملی محروم داشته است غیر از اعتبارنامه آقای باتماقلیچ با هیچ وسیله ای جبران پذیر نیست در بالا از

شرکای آقای باتماقلیچ صحبتی شد . در این قسمت توضیحی لازم است عرض کنم این جانب معتقدم که برای غصب کرسی های کاندیداهای محلی در مرکز شرکتی با سرمایه معینی تشکیل و این شرکت از دو طبقه مردم متشکل شده بود عده ای صاحبان سرمایه از قبیل آقایان باتماقلیچ و کهد و عده دیگر که مقاصد سیاسی را در این شرکت تعقیب میکردند صاحبان سرمایه مقصودشان فقط بدست آوردن کرسی بیهای مناسبی بود و دسته دومی میخواستند این خریداران کرسی را بنقاط مرزی و حساس کشور تمحیل نمایند و بدینوسیله هموطنان مرز نشین ما را از حکومت مرکزی ناامید و مایوس نموده و آماده قبول هر گونه تبلیغات مضره بکنند ، مداخلات و رول مهمی که آقای کهد در انتخابات اردبیل بهمه داشته اند (کهد - بنده ؟) بلی بلی الان عرض میکنم ، مسلم میدارد که این دونفر از مؤسسين شرکت بوده اند و همچنین تمحیل این آقایان بنقاط مرزی کشور از قبیل اردبیل و مهیاد دلیل وجود همان ایادی مرعوزی است که در پی تمحیل نتیجه سیاسی و ایجاد ناراضیاتی و آماده کردن مرز نشینان بقبول هر گونه تبلیغات مضره بوده و برای نبل بمقصد خویش درست نقاط حساس را برای این قبیل تحولات انتخاب نموده والا چرا کرمان و فارس و قم و سایر نقاط را از این تحولات غیر قانونی مصون داشته اند (مهندس رضوی - آنجا هم تمحیل میکردند مردم نمی گذاشتند) من هرچه فکر میکنم در مقابل چه خلاف و قصوری اردبیلی ها دچار این مجازات شده اند که از آنان بایستی سب حقوق نموده مطلبی دستگیر نمیشود ، شهر اردبیل در تاریخ کشور ما موقعیت خیلی برجسته ای دارد و در تشکیل سلسله نوابخ از فارس و کرمان و اصفهان و خراسان و غیره که تاریخ پر افتخار ایران را بوجود آورده سهم بزرگی داشته است مابین سلاطین ایران و دوره های تمدن بعد از اسلام سلسله صفویه از این شهر که در آن موقع کرسی آذربایجان بود ظهور نموده و فرهنگ و تمدنی بوجود آورده اند که پس از قرن ها هنوز آثار آن دوره و خدمات آنان موجب حیرت و تحسین خودی و بیگانه بوده و وحدت ملی امروزه ایران مدیون خدمات همان پادشاهان صفوی است . از زهاد و عرفا نوابی مانند شیخ صفی الدین و مقدس اردبیلی کدر تهذیب اخلاق جامعه ایرانی فداکارها و زحماتی متحمل شده اند حتی در دوره اخیر انقلاب مشروطیت شهر اردبیل وظایف ملی خود را در راه آزادی بخوبی انجام داده از فرزندان اردبیل مانند سید حسین و سید جلیل اردبیلی برای مبارزه در راه آزادی قیام نموده باتفاق سایر آزادی خواهان تا آخرین حد امکان جهت استقلال و آزادی کشور کوشیده اند . از این جا میگذریم بحیران انتخاباتی که در اوایل سال جاری در اردبیل شروع شد ، این نکته را بایستی بمرض آقایان برسانم قیلا در اواخر سال گذشته ۲۵ موقعی که حکومت نظامی در تمام نقاط آذربایجان مستقر بود یکی از افسران ارتش که فوق العاده مرد شریف و پاکدامن و وظیفه شناسی بود تیمسار سرتیپ باتماقلیچ موقعی فرماندار نظامی تبریز بود . بنده این شخص را دیدم با این سکه بیمار بود ، مریض بود رختخوابش را در پای همان میز کارش گذاشته و دقیقه ای غفلت نکرد (صحیح است) ولی وقتی که ایشان منتقل شدند بفرماندهی نظامی اردبیل همان موقع ها از فراری که این آثار

نشان میدهد آقای باتماقلیچ در اروپا یا امریکا تشریف داشتند همان روز ها وارد میشوند متأسفانه آقای سرتیپ باتماقلیچ در اثر مراجعات ایشان اطراف اردبیل و اهالی آنجا را وادار میکنند باین که نسبت بانقلاب آقای باتماقلیچ اظهار عقیده ای بکنند و میدهند یک چلووار هائی مهر میکنند از این قبیل کار ها که در تمام نقاط کشور معمول است بعد از این مقدمات که تمام میشود آقای سرتیپ باتماقلیچ منتقل میشوند آن وقت بوده است که آقای باتماقلیچ وارد میدان عمل میشود با کیسه انباشته پر از طلا و زر (یک نفر از نمایندگان - اسکناس) و اسکناس بیخشید مملوت میگویم (باتماقلیچ - بغیر همه اش زر بود) آنوقت عرض میکنم که تلگرافات میرسد بما ، در اواخر تیر ماه سال جاری که مجلس تشکیل و شروع بانجام وظایف نموده بود ، همه روزه تلگرافاتی که در ۲۷ صفحه بمقام محترم ریاست تقدیم میشود از اردبیل مبنی بر مداخلات و تهدید و تطمیع در امر انتخابات آنجا میرسد تا این که در اوایل مرداد ماه محترمین شهر اردبیل بتلگرافخانه آمده و تقاضای معایرت حضوری با نمایندگان آذربایجان نمودند ، چون همان ایام شهر اردبیل علاوه از شروع مقدمات انتخابات تمحیلی دچار بدبختی دیگری نیز شده بود ما تصور میکردیم محترمین اوایل مرداد ماه محترمین شهر اردبیل بتلگرافخانه آمده و تقاضای معایرت حضوری با نمایندگان آذربایجان نمودند ، چون همان ایام شهر اردبیل

نشان میدهد آقای باتماقلیچ در اروپا یا امریکا تشریف داشتند همان روز ها وارد میشوند متأسفانه آقای سرتیپ باتماقلیچ در اثر مراجعات ایشان اطراف اردبیل و اهالی آنجا را وادار میکنند باین که نسبت بانقلاب آقای باتماقلیچ اظهار عقیده ای بکنند و میدهند یک چلووار هائی مهر میکنند از این قبیل کار ها که در تمام نقاط کشور معمول است بعد از این مقدمات که تمام میشود آقای سرتیپ باتماقلیچ منتقل میشوند آن وقت بوده است که آقای باتماقلیچ وارد میدان عمل میشود با کیسه انباشته پر از طلا و زر (یک نفر از نمایندگان - اسکناس) و اسکناس بیخشید مملوت میگویم (باتماقلیچ - بغیر همه اش زر بود) آنوقت عرض میکنم که تلگرافات میرسد بما ، در اواخر تیر ماه سال جاری که مجلس تشکیل و شروع بانجام وظایف نموده بود ، همه روزه تلگرافاتی که در ۲۷ صفحه بمقام محترم ریاست تقدیم میشود از اردبیل مبنی بر مداخلات و تهدید و تطمیع در امر انتخابات آنجا میرسد تا این که در اوایل مرداد ماه محترمین شهر اردبیل بتلگرافخانه آمده و تقاضای معایرت حضوری با نمایندگان آذربایجان نمودند ، چون همان ایام شهر اردبیل علاوه از شروع مقدمات انتخابات تمحیلی دچار بدبختی دیگری نیز شده بود ما تصور میکردیم محترمین اوایل مرداد ماه محترمین شهر اردبیل بتلگرافخانه آمده و تقاضای معایرت حضوری با نمایندگان آذربایجان نمودند ، چون همان ایام شهر اردبیل

نقطه آذربایجان بوده اند این تلگراف را برای آقایان میخوانم شکایاتی که این جاعرض کردم مشنی از نمونه خروار است و الا میخواستیم این ۲۷ صفحه را بخوانیم . خدمت جناب آقای مقانی و آقایان محترم حاضرین تلگرافخانه شکایات مستند از اصمال باتماقلیچ و کسان اود در جریان انتخابات اردبیل مورد توجه کامل واقع نشد احترام افکار عمومی این شهر ملحوظ نگردید ، بازرسی مخصوص بتبویق افتاد از مداخلات او و کسانش در امور حزبی خانمان بر بوده جلو گیری نگردید ، حالا جریاناتی پیش آمده که تهدید و تطمیع را تحت الشماع قرار داده بانظر باز و سامعه دقیق توجه فرمائید از سه ماه پیش در استخلاص متجاسرین زندانی مداخله در پرونده های فارنگران اشخاص در ذ و ناصالح بوسیله تعویب اسلحه فراهم شده غیر معتد را بنام انجنمن جمع بوسیله آنها و وسایل دیگر بولهای علناً تقسیم حتی بوسیله اسناد رسمی و چکهای بانک معامله ها شده و فعلا نیز جریان دارد محل هائی را که هیچ سابقه مرکزیت شعبه فرعی ندارد فقط بتنظور بر کردن صندوق مطابق میل شعبه فرعی معین یکی قریه نورین که اهل آن تمام متجاسر و قتل یادگان مشکین شهر و مخصوصاً آن خائنین آنجا بدون شناسائی بضامات آقای باتماقلیچ از زندان خلاص شده و قریه دیگر کورائیم و نیز محل استیلا ملک مجید خسروی مسبب تسلیم تیب اردبیل و نماینده مجلس خیانت متجاسرین دارای مدال ۲۱ آذر و سردسته اشرار و فرمانده فدائیان اعزازی بجنک قوای میهن پرست علاوه خود دهات مزبور مرکز خائنین بوده محل صندوق قرار یافته ، اعتراضات انجنمن و فرماندار و بازرس هیچکدام اثر ندارد شب آن صندوقها را در اختیار نوگرهای باتماقلیچ و عده خائن مسلح گذاشته اند مردها بزور اسلحه ، بدور صندوق جمع اگر رای دهند جلوی چشمشان عوض میکنند اگر امتناع کنند دچار قنذاق تفنگ جهت نظارت جریان انتخابات آنجا بفرستد این تلگرافاتی است که از اردبیل رسیده از خواندن آنها بنده صرف نظر میکنم چون وقت گذشته ولی فقط یک چند صفحه ای که در همین تلگراف خانه مجلس مغایره حضوری شده بنده فقط اکتفا میکنم بآنها) باتماقلیچ - مثل همه تلگرافات دیگر احتیاجی ندارد) غیر آقا این اشخاص از آن افرادی نیستند که چلووار مهر بکنند آقای باتماقلیچ ؟ .. (باتماقلیچ ۲۴ هزار مکلینم و امبارم در مجلس بنده باتماقلیچ) شهر اردبیل مثل سایر شهرهای درجه دوم کشور هفتاد هشتاد هزار نفوس دارد و در مقابل اینها هفت هشت ده نفر معتدین درجه اول هستند که همیشه مصدر کارهای اجتماعی و موسسات خیریه میباشد البته توی اینها یک اشخاص هستند شرم و کویلی ، خادم باشی شجاع و سایرین که اسم هایشان اینجا هست اینها یک اشخاص هستند که در صلاحیت اینها و طرف اعتماد و وثوق بودن آنها هیچکس تردیدی نمیتواند بکند (صحیح است) این است که بنده این تلگرافاتی را که میخوانم از آن امضاهائی نیست که با سرنیزه یا با یول در روی چلووار گرفته باشند و صاحبش هم نا معلوم باشد اینها اشخاصی هستند که هر کدامشان در افسر زاندر مری ده بانان را تهدید بدان رای مینمایند با اعتراضات کوچکترین اهانت نمیکند ؟ آقایان محترم بنام هر چیزی کدر ملت و دیانت مورد احترام است استرحام مینمایم یک بازرسی موتق فوراً اتمام امر عملیات غیر قانونی و حق شکنانه بر کمرین علی صندوق



و صلیات زاندارمیرهای مسلح و مداخله فرماندار در کیفیت آراء مشهود و دلایل مثبت در دسترس با زور گذاشته شود ، در صورت صحت شر این شخص بیگانه را که متکی به تهدید و تطمیع و علاوه موجب تجری متجاسرین و پشتیبان آنها است کنده این شهر ستمدیده اجازه دهید آزادانه شخص مورد اعتمادی را انتخاب کنیم و اگر تمجیلی است شخصی معروف موق را تعجیل کنند یا محض رضای الهی این حق مقدس را از ما سلب نکنید که نداشتن نماینده بهتر از یک همچون نماینده است که عواقب نمایندگی او از همین حالا روشن است باز اگر توجه نشود تحمل باین اوضاع ناگوار غیر مقدر است شریعت ، و کیلی ، خادم باشی ، هدی ، معتمدی و عده دیگر . در اثر وصول این تلگرافات ما با آقایان نمایندگان به وزارت کشور مراجعه کردیم متأسفانه از مدهای وزارت کشور بدون وزیر مستقل بوده است ما در آنجا با یکمرد خندان لب خوشرو مواجه شدیم که همه گونه وعده و وعید داد و قرار شد که مطالب را برض برسلند و برای آنجا یک بازرسی از تهران انتخاب شود ، بعد از دوروز که ما مراجعه کردیم ایشان فرمودند که جناب اشرف عقیده دارند که با زورس نبایستی از اینجا بردار تبریز باید برود . ما مراجعه کردیم با استاندار ، استاندار هم باین تلگرافاتی سرگرد و مفادش این بود که با زورس نبایستی از طهران بیاید . آقایان ملاحظه فرمائید ما فکر کردیم کدر اینکار یک تبانی هست . مسلم هم بود زیرا جایی که هیچ مورد نداشت که با زورسی بفرستند با زورسهای متوالی رفت ، ما هر چه گفتیم همان با زورسی که بسا و جیلاغ و شهریار میبود لاف اقل همان با زورس برود آنرا هم مضایقه کردند ( باتماقلیچ - با زورس آمد آقا ) یک تلگرافی در این موقع رسید معلوم شد که آن تبانی که ما فکر کرده بودیم دلیلش صحیح بود تلگراف این است که برای آقایان میخوانم :

حضرات آقای مقانی و سایر نمایندگان محترم آذربایجان . که به تلگرافاً با تمانقلیچ اطلاع می دهد که از اقدام آقایان و کلا راجع بتأخیر انتخابات در وزارت کشور جلوگیری نموده ( که به - خلاف است جعل است آقا ) ۴۰۰۰ دستور تأخیر هنوز نرسیده ، چهارم شروع به اخذ رأی میشود منتظر جواب فوری است ، و کیلی ، هدی - معتمدی ، و غیره ، معلوم شد که ما هر چه با مباحث این جا اقداماتی میکردیم ، راجع باینکه یک با زورسی برود وضعیت را ببیند یک دستهایی اینجا بودند شرکتی داشتند و نمی گذاشتند که با زورسی برود بآنجا ، چرا ؟ برای اینکه آن منظوری را که داشتند هیئت حاکمه ، با آن فرماندار محل شهر بانی و زاندار مری و غیره عملی میشد و دیگر محتاج نبودند که یک کس دیگری را بفرستند آنجا ، حالا توجه میفرمائید تمام اساس انتخابات آنجا را بنده چون دیدم آقایان خسته هستند مختصر کردم و مقصود این است که انتخابات آنجا تمام روی تطمیع و تهدید بوده است ، و متأسفانه شهر اردبیل که سابقاً دارای دو تا روزنامه و نشریه بوده البته ، قبلاً بود حالا ندارد ، بعد از این قضیه ، حالا از بین رفته است ولی روز نامه های تبریز ، در آن موقع راجع باین قسمت یک مقالات مفصلی نوشته اند که بنده فقط تیر آنها را میخوانم که ببینید چقدر با مباحث این موضوع مؤثر بوده در روحیه اهالی آن جا ، خطایش این است . « بگذارید این رشته محبت و

مهموم مخالفت چیست ؟ آقایان بهتر می دانند مقصودش این است که از این مداخلات و تحمیلاتی که ما میکنند این رسم برادری نیست . بعد از استخلاص از شر آن ماجرا جوان نبایست ما را دچار این اشرار بکنند . نامه دیگر میگوید ، « نامه آقای حاجی باتماقلیچ . دلایل خنده آور ایشان ! پاسخ دندان شکن ما ! . . . چون ایشان اینجا یک مقاله نوشته اند و اعتراض کرده اند که شما اردبیل را ندیده اید تا حالا و شما نمی دانید اردبیل در کجا است ! چطور شده است که از آنجا انتخابات شدید ایشان فرموده اند که من در سفر حج با چند نفر حجاج اردبیلی آشنا شدم آنها عاشق من شدند و در برگشتن مرا انتخاب کردند ( باتماقلیچ - صحیح است ) ( خنده نمایندگان ) این هم یک تیر دیگری است در روزنامه مینویسد : « باز هم کشمکش انتخابات ، باز هم مداخله مأمورین ، باز هم بگیر و بنده معتمدین محل ، باز هم تحمیل باتماقلیچ ، و غیره . . . » بنده اینها را تقدیم مقام ریاست میکنم

**باتماقلیچ** - بنده دلایلی دارم که اگر عرض بکنم خود آقای گنجه ای بن رأی خواهند داد زیرا ایشان شخص با شرفی هستند و آن دلایل را که بنده اینجا عرض خواهم کرد . . .

**گنجه** - بلی اگر آذربایجانی باشید بشمار می دهم .

**باتماقلیچ** - من ناسخ التواریخ را می آورم اینجا و شما ثابت میکنم

**یک نفر از نمایندگان** - آقای ارسنجانی هم اینجا تذکره دادند

**باتماقلیچ** - نه آقا چیزی است واضح

**گنجه** - هر کس می رود یک چیزی میگذارد زیر بغلش میگوید جد هفتم من در جنگ فلان جا بوده و منم چون باتماقلیچ هستم آذربایجانی هستم بعضی از آقایان همکارانم در شعبه از من می پرسیدند که ایشان میگویند من اردبیلی هستم ، آذربایجانی هستم گفتم شاید همین طور باشد گفتند چطور ، گفتم برای اینکه نام فامیل ایشان ترکی است ولی ما همچو آدمی در آذربایجان تالاحا نشینده ایم و اگر بنده نام فامیل گنجه ایست یعنی مامهاجر هستیم و از دو قرن پیش از آن طرف ارس بایران آمده ایم ، بنده گفتم شاید ایشان هم از دو قرن پیش جدشان آنجا بوده ( باتماقلیچ - تخیر آقا بنده اهل ما کو هستم . . . ) عرض کنم در ماده ۱۲ قانون انتخابات شرایط انتخاب شوندگان را معین کرده است میگوید : در محل انتخاب بایستی معروف باشد ( باتماقلیچ - من ، قربان و کیلی با زدهم طهران بودم مدارک دارم اینها چیست میفرمائید ) بنده این جمله را این طور تفسیر میکنم در محل معروف باشد یعنی یکی از معارف محل بوده و یکی از اشخاصی باشد که در تمام موسسات اجتماعی محل شرکت و عضویت داشته باشد ، یکی از اشخاصی باشد که در انجمن شهرداری مورد توجه باشد و در این موسسات عضویت داشته باشد یعنی کسی باشد که همه کس او را در محل بشناسد نه اینکه مثل آقای باتماقلیچ باشد . بنده این طور میدانم که ایشان بهیچوجه تا آنوقت آذربایجان را ندیده اند و حتی این موضوع را که آقای امامی فرمودند که وسایل نقلیه شان آنجا میرفته است اینهم مورد تردید بنده است زیرا آن را هم بنده ندیده ام بشمار این بایستی انتخاب شوند کسی باشد که در محل انتخاباتی خدمات متوجهی انجام داده و سوابقی داشته باشد و اهالی محل او را بنام و نشان و پدر و خانواده

بشناسند ، آیا کسیکه برای اولین بار در عرض در سال جاری موقع انتخاب وارد اردبیل شده اورا میتوان از جمله معروفین محل دانست ؟ کسی که هنوز زبان محلی موکلین خود را نمیداند ( باتماقلیچ - لازم هم نیست ۴۰۰ ) خیلی لازم است شما اگر آذربایجانی هستید و مثل سایر افراد آذربایجانی و کردستانی و شهر های دیگر که زبان های محلی دارند شما اگر توانستید که پشت این تریبون پنج کلمه بزبان محلی بنده و آقای اسکندری و آقای دکتر مجتهدی صحبت بکنید بنده قبول دارم ( باتماقلیچ - دو ساعت صحبت میکنم ) ۴۰۰ کسی که یک قوم و خویش در آنجا ندارد و با اینکه دارای ثروت مهمی است کوچکترین ملک و علاقه در اردبیل و آذربایجان ندارد ، میتواند همچو شخصی را از معارف محلی دانست ؟ من گمان میکنم یکی از شواهد معروفیت محلی آقای باتماقلیچ این باشد موقمی ایشان معروفیت دارند که در سرور شریک و در ماتم و فم همدم مردم آنسامان باشند ( باتماقلیچ - همینطور هم هست ) موقمی که در سال ۳۲۵ معتمدین و محترمین درجه اول اردبیل قراراً بطهران آمده در زیر آفتاب سوزان تیر و مرداد در این خیابانهای این شهر بر سه میزدند شما کجا تشریف داشتید ( باتماقلیچ - منزل بنده بودند ) شما آن وقت در امریکا یا لندن تشریف داشتید ( باتماقلیچ - منزلم درس باز بود برای آنها ) بنده مطالب را چون می بینم که مجلس خیلی خسته است مختصر میکنم و همینقدر عرض میکنم که مطلقاً و مسلماً آقایان بدانند که این موضوع مدت ها است در روزنامه های مختلفه شرح داده شده و مقالات مفصلی در موضوع اقتضای انتخابات اردبیل در روزنامه مهر ایران نوشته شده بنده از ساحت مقدس مجلس شورای ملی فقط استدعا می کنم اینست که بادر نظر گرفتن موقیت خاص امروزه که مملکت در قسمت مرز های خود محتاج است بیک عده اشخاص وطن پرست محلی که علاقمند بآن نژاد و بوم خودشان باشند ، اگر بخواهند باین قسمت توجه نرسانند شاید در آینده ما از این قسمت خاطر آقایان را از شنیدن باور اخبار غیر مساعد مکدر سازیم ، اینست که بنده اینجا عرض میکنم که در موقع دادن رأی هیچکس را در نظر نداشته باشد فقط وجدانشان و مقدرات کشور را در نظر بگیرند ( باتماقلیچ - تشکر میکنم تقاضای بنده هم همین است ) وراضی نشوند ۴۰۰ هزار نفر هموطنان مرز نشین مصیبت دیده از حق قانونی خود محروم باشند

**رئیس** - عده برای رأی کافی نیست . آقای باتماقلیچ شما حالا صحبت میکنید یا در جلسه آینده

**باتماقلیچ** - بنده یک ساعت و نیم صحبت دارم

**رئیس** - پس آقایان تأمل کنید تنفس داده خواهد شد ولی بودجه مجلس را آقای افخمی میخواهند بدهند .

**۲ - تقدیم بودجه ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی**

**افخمی** - این بودجه ۱۳۲۶ مجلس است که تقدیم میشود .

**رئیس** - بکمسیون محاسبات مجلس فرستاده میشود ، فعلاً تنفس داده میشود ، جلسه آینده روز شنبه ساعت سه و نیم بعد از ظهر دستور بقیه اعتبار نامه ها و برنامه دولت است

( مجلس ساعت هشت و نیم بعد از ظهر بعنوان تنفس ختم شد )